

پژوهشی بر حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی:
آشنایی و رعایت قواعد حقوق درگیری‌های مسلحانه
ژان ماری هنکارت^۱

ژان ماری هنکارت مشاور حقوقی اداره حقوقی کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ و رئیس پروژه حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی است. وی اخیراً کتاب دو جلدی حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی را که توسط انتشارات دانشگاه کمبریج چاپ شده، با کمک لوییس دوسوالدیک ویرایش کرده است.

چکیده

این مقاله به توضیح منطق و رای پژوهشی بر حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی که اخیراً و به درخواست کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر، توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ انجام شده، می‌پردازد. در این مقاله روش و چگونگی این تحقیق به طور خلاصه و یافته‌های اصلی آن بیان شده است؛ با این حال این مقاله، تحلیلی کامل از یافته‌های این تحقیق نیست.

مقدمه

با وجود گذشت حدوداً ۵۰ سال از تصویب کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، بشریت همچنان شاهد درگیری‌های مسلحانه‌ای بوده که بر همه قاره‌ها تاثیر گذارده است. در طول این زمان، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷، حمایت حقوقی برای افرادی که در درگیری‌های مسلحانه شرکت مستقیم نداشته یا به شرکت خود پایان داده‌اند (مجروحان، بیماران و کشتی‌شکستگان، افرادی که به دلایل مرتبط با درگیری از آزادی خود محروم شده‌اند و غیرنظامیان) فراهم نموده‌اند. با این وجود نقض‌های متعدد این معاهدات منجر به درد و رنج و مرگ بسیاری از افراد شده که در صورت رعایت بهتر حقوق بین‌الملل بشردوستانه به وجود نمی‌آمد.

عقیده عمومی آن است که نقض حقوق بین‌المللی بشردوستانه به دلیل عدم کفایت قواعد این رشته نیست بلکه این امر ناشی از نبود خواست اجرای این قواعد، ناکافی بودن ابزارهای اجرا، ابهام در اعمال این قواعد در برخی شرایط و آگاه نبودن فرماندهان سیاسی، افسران، رزمندگان و عموم مردم از وجود این قواعد است. کنفرانس بین‌المللی حمایت از قربانیان جنگ که در ماه‌های آگوست تا سپتامبر ۱۹۹۳ در ژنو برگزار شد، به روش‌های از بین بردن نقض حقوق بین‌المللی بشردوستانه به طور خاص

^۱ نویسنده بدینوسیله از اریک سونکلارد برای کمک در تهیه این متن و همچنین لوییس دوسوالد بک و همکاران اداره حقوقی برای نظرات روشنگرانه‌شان سپاسگذار است. نظرات مندرج در این مقاله، صرفاً بیانگر نظر نویسنده بوده و موضع کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ را بیان نمی‌کند.

پرداخت اما تصویب معاهده دیگری را پیشنهاد نکرد. در عوض در اعلامیه نهایی که به اجماع تصویب شد، مجدداً بر "ضرورت اجرای هرچه موثرتر حقوق بشردوستانه" تاکید شد و از دولت سوئیس خواسته شد "گروه بین دولتی از کارشناسان به مدت نامحدودی به منظور مطالعه بر روش‌های عملی ارتقای کامل رعایت و اجرای این قانون و تهیه گزارشی برای ارائه به دولت‌ها در جلسه بعدی کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر ایجاد کند."²

گروه بین دولتی کارشناسان برای حمایت از قربانیان جنگ در ژانویه ۱۹۹۵ در ژنو طی نشستی مجموعه‌ای از توصیه‌ها به منظور ارتقای رعایت حقوق بین‌المللی بشردوستانه علی‌الخصوص از طریق تدابیر پیشگیرانه‌ای که درک بیشتر و اجرای موثرتر این رسته از حقوق را میسر می‌ساخت، ارائه کرد. توصیه نامه شماره ۲ گروه بین دولتی کارشناسان پیشنهاد می‌کند:

از کمیته بین‌المللی صلیب سرخ دعوت می‌شود که با همکاری کارشناسان حقوق بین‌المللی بشردوستانه که نمایندگان مناطق جغرافیایی گوناگون و نظام‌های حقوقی مختلف باشند و با مشورت با کارشناسان دولتی و سازمان‌های بین‌المللی، گزارشی در مورد قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابل اعمال بر درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی تهیه و این گزارش را میان دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی صالح توزیع کند.³

در دسامبر ۱۹۹۵، بیست و ششمین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر این توصیه نامه را پذیرفت و رسماً "کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ را مسوول تهیه گزارشی در مورد قواعد عرفی حقوق بین‌المللی قابل اعمال بر درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی دانست."⁴

تقریباً دو سال بعد در سال ۲۰۰۵، پس از انجام تحقیق جامع و مشاوره گسترده با متخصصان، این گزارش که هم‌اکنون پژوهش حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی نامیده می‌شود، منتشر شد.⁵

اهداف

² - International Conference for the Protection of War Victims, Geneva, 30 August–1 September 1993, Final Declaration, International Review of the Red Cross, No. 296, 1993, p. 381.

³ - Meeting of the Intergovernmental Group of Experts for the Protection of War Victims, Geneva, 23–27 January 1995, Recommendation II, International Review of the Red Cross, No. 310, 1996, p. 84.

⁴ - 26th International Conference of the Red Cross and Red Crescent, Geneva, 3–7 December 1995, Resolution 1, International humanitarian law: From law to action; Report on the follow-up to the International Conference for the Protection of War Victims, International Review of the Red Cross, No. 310, 1996, p. 58.

⁵ - Jean-Marie Henckaerts and Louise Doswald-Beck, Customary International Humanitarian Law, 2 volumes, Volume I. Rules, Volume II. Practice (2 Parts), Cambridge University Press, 2005.

هدف از بررسی حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی، غلبه بر برخی مشکلات ناظر بر اعمال حقوق بین‌المللی معاهداتی بشردوستانه بود. حقوق معاهدات به نحو مطلوبی توسعه یافته و بسیاری از وجوه جنگ را در بر گرفته، از گروهی از افراد در طول جنگ حمایت کرده و روش‌ها و ابزارهای مجاز در جنگ را محدود می‌کند. کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی نظام گسترده‌ای برای حمایت از افرادی که در مخاصمات مستقیماً شرکت نداشته یا به شرکت خود پایان داده‌اند، مقرر می‌دارد. تنظیم روش‌ها و ابزارهای جنگی در معاهدات به اعلامیه سنپترزبورگ ۱۸۶۸، مقررات لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ و پروتکل ۱۹۲۵ ژنو در مورد گازهای سمی که در کنوانسیون ۱۹۷۲ در مورد سلاح‌های بیولوژیک بدان پرداخته شد، پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷، کنوانسیون ۱۹۸۰ در مورد برخی سلاح‌های متعارف و ۵ پروتکل آن، کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی ۱۹۹۳ و کنوانسیون اتاوا ۱۹۷۷ در ممنوعیت مین‌های ضدنفر باز می‌گردد. حمایت از اموال فرهنگی در درگیری‌های مسلحانه به طور دقیق در کنوانسیون لاهه ۱۹۵۴ و دو پروتکل آن مشخص شده است. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در سال ۱۹۹۸ شامل فهرستی است از جنایات جنگی که در صلاحیت دیوان قرار می‌گیرند.

با این حال دو مانع اساسی در مورد اعمال این معاهدات در درگیری‌های مسلحانه اخیر وجود دارد که دلیل ضروری و مفید بودن مطالعه حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی را مشخص می‌کند: نخست آنکه معاهدات، صرفاً بر دولتهایی که آن را تصویب کرده‌اند، اعمال می‌شود. این امر بدان معناست که معاهدات مختلف حقوق بین‌المللی بشردوستانه بسته به آنکه دولت درگیر کدام یک از معاهدات را تصویب کرده، در درگیری‌های مختلف اعمال می‌شوند. در حالیکه کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ مورد تصویب همه دولتها قرار گرفته، همین مساله در مورد سایر معاهدات حقوق بشردوستانه و برای نمونه پروتکل‌های الحاقی صادق نیست. حتی با وجود آنکه پروتکل اول الحاقی توسط بیش از ۱۶۰ کشور تصویب شده، تاثیر آن به دلیل آنکه برخی از دولتهای طرف درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی به عضویت آن در نیامده‌اند، محدود شده است. به طور مشابه درعین آنکه تقریباً ۱۶۰ کشور پروتکل دوم الحاقی را تصویب کرده‌اند، برخی از دولتهایی که درگیری مسلحانه غیر بین‌المللی در قلمروی آنان در جریان است، به عضویت آن در نیامده‌اند. در چنین درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی، گاهی ماده ۳ مشترک در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو تنها قاعده معاهداتی حقوق بشردوستانه قابل اعمال می‌باشد. در نتیجه هدف نخستین این تحقیق، تعیین این مساله بود که چه قواعدی بر همه طرفهای درگیری صرفنظر از اینکه آنها معاهدات حاوی این قواعد را پذیرفته‌اند یا خیر، قابل اعمال است.

دوم آنکه حقوق معاهداتی بشردوستانه، بخش اعظمی از درگیری‌های مسلحانه جدید را که همان درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی هستند، به نحو دقیق مشخص نمی‌کند چرا که این گونه

درگیری‌ها مشمول شمار کمتری از معاهدات نسبت به درگیری‌های بین‌المللی می‌باشند. تنها شمار محدودی از معاهدات بر درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی اعمال می‌شود؛ شامل کنوانسیون برخی سلاح‌های متعارف و اصلاحات آن، اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، کنوانسیون اتاوا در مورد ممنوعیت مین‌های ضدنفر، کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی، کنوانسیون لاهه برای حمایت از اموال فرهنگی و پروتکل دوم آن و همانگونه که گفته شد پروتکل دوم الحاقی و ماده ۳ مشترک در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو. در حالیکه ماده ۳ مشترک از اهمیت بنیادین برخوردار است، اما این قاعده صرفاً "چارچوبی برای حداقل استانداردها فراهم می‌کند. پروتکل دوم الحاقی به نحو مناسبی ماده ۳ مشترک را تکمیل می‌کند اما به تفصیل قواعد حاکم بر درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی مقرر در کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل اول الحاقی نیست.

پروتکل دوم الحاقی صرفاً شامل ۱۵ ماده ماهوی است، در حالیکه پروتکل اول الحاقی بیش از ۸۰ ماده دارد. با وجود آنکه ارقام به تنهایی بیان‌کننده همه چیز نیست، اما بیانگر تفاوت مهم در قواعد معاهداتی ناظر بر درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی به ویژه در هنگام بررسی قواعد دقیق و تعاریف می‌باشند. هدف دوم این تحقیق تعیین این مساله است که آیا حقوق بین‌المللی عرفی به نحو دقیق تری درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی را تنظیم می‌کند یا خیر و اگر پاسخ مثبت است تا چه حد.

متدلوژی

اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، حقوق بین‌المللی عرفی را "رویه عمومی پذیرفته شده به عنوان قانون" تعریف می‌کند.^۶ پذیرفته شده است که وجود قاعده حقوق بین‌المللی عرفی نیازمند دو عنصر است: رویه دولتی (usus) و اعتقاد به اینکه چنین رویه‌ای بسته به ماهیت قاعده مورد نظر ضروری، ممنوع یا مجاز است (Opinio Juris). همانگونه که دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده فلات قاره اعلام نمود: "کاملاً بدیهی است که محتوای حقوق بین‌المللی عرفی، در مرحله نخست در رویه واقعی و انگیزه دولتها جستجو شود."^۷

معنای دقیق مفاد این دو عنصر موضوع تحقیق‌های علمی بسیاری قرار گرفته است. روشی که در این بررسی برای تعیین اینکه آیا قاعده کلی حقوق بین‌المللی عرفی وجود دارد یا خیر، روش

۶- شق ب بند ۱ ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری

۷- International Court of Justice, Continental Shelf case (Libyan Arab Jamahiriya v. Malta), Judgment, 3 June 1985, ICJ Reports 1985, pp. 29-30, § 27.

کلاسیک است که از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری به ویژه در پرونده فلات قاره دریای شمال مقرر شد.^۸

رویه دولتها

به رویه دولتها باید از دو زاویه نگریست: نخست آنکه چه رویه‌هایی می‌تواند باعث ایجاد حقوق بین‌المللی عرفی شود (گزینش رویه دولتها)؛ و دوم آنکه آیا این رویه‌ها قاعده حقوق بین‌المللی عرفی را ایجاد می‌کند یا خیر (ارزیابی رویه دولتها).

گزینش رویه دولتها

اقدامات و اظهارات شفاهی دولتها هر دو می‌تواند رویه‌ای ایجاد کند که منجر به خلق حقوق بین‌المللی عرفی شود. اقدامات فیزیکی برای نمونه می‌تواند شامل رفتار در طول درگیری، استفاده از سلاح‌های خاص و رفتار با گروه‌های مختلف افراد شود. اقدامات شفاهی می‌تواند شامل دستور العمل‌های نظامی، قوانین ملی، رویه‌های قضایی ملی، دستور به نیروهای نظامی و امنیتی، بیانیه‌های نظامی در طول جنگ، اعتراض‌های سیاسی، نظر مشاوران حقوقی رسمی، نظر دولتها در پیش نویس معاهدات، سخنان اعلام شده در کنفرانس‌های بین‌المللی و موضع دولت‌ها در مورد قطعنامه‌های مصوب سازمان‌های بین‌المللی شود. این فهرست نشان می‌دهد که رویه‌های نهاد‌های اجرایی، تقنینی و قضایی یک دولت باعث شکل‌گیری حقوق بین‌المللی عرفی می‌شود.

مذاکرات و تصویب قطعنامه‌ها در سازمان‌ها یا کنفرانس‌های بین‌المللی همراه با توضیح آراء، اقدامات دولتهای موردنظر هستند. به طور کلی و به جز در چند مورد استثنا، پذیرفته شده که قطعنامه‌ها به طور طبیعی به خودی خود الزام آور نیستند و در نتیجه ارزشی که به هر قطعنامه در ارزیابی تاثیر آن در شکل‌گیری قاعده حقوق بین‌المللی عرفی داده می‌شود به مفاد آن، درجه پذیرش آن و مطابقت آن با رویه دولتهای مرتبط بستگی دارد.^۹ هرچه حمایت و پشتیبانی از قطعنامه‌ای بیشتر باشد، اهمیت آن نیز بیشتر خواهد بود.

اگرچه تصمیم‌های دادگاه‌های بین‌المللی جزء منابع فرعی حقوق بین‌المللی است،^{۱۰} اما جزء رویه دولتها تلقی نمی‌شود. این امر بدان دلیل است که دادگاه‌های بین‌المللی برخلاف دادگاه‌های ملی، جزء نهاد‌های دولت نیستند با این حال تصمیم‌های دادگاه‌های بین‌المللی از اهمیت بسیاری برخوردارند

^۸ - International Court of Justice, North Sea Continental Shelf cases, Judgment, 20 February 1969, ICJ Reports 1969, p. 3.

^۹ - اهمیت این شرایط مورد تایید دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای مورخ ۸ ژوئیه ۱۹۹۶ نیز قرار گرفته است. ICJ Reports 1996, pp. 254-255, §§ 70-73.

^{۱۰} - شق د بند ۱ ماده ۴۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری

چرا که یافته یک دادگاه بین المللی مبنی بر وجود قاعده حقوق بین المللی عرفی مدرک قانع کننده ای برای این مساله است. بعلاوه به دلیل ارزش بالای تصمیم های آنها، دادگاه های بین المللی می توانند در شکل گیری قاعده حقوق بین المللی عرفی از طریق تاثیر گذاری بر رویه بعدی دولتها و سازمانهای بین المللی سهمی داشته باشند.

رویه های گروه های مسلح مخالف همچون مجموعه قوانین رفتاری، اعلام تعهد به اجرای برخی قواعد حقوق بین المللی بشردوستانه و سایر بیانیه ها نمی تواند موجب رویه دولتی باشد. اگرچه این رویه ها شاهی است بر پذیرش قواعد خاص درگیری های مسلحانه بین المللی اما با این حال اهمیت حقوقی آن نامشخص بوده و در نتیجه نمی توان برای اثبات وجود حقوق بین المللی عرفی بدان استناد کرد. نمونه های چنین رویه هایی تحت عنوان «سایر رویه ها» در جلد دوم این تحقیق آمده است.

ارزیابی رویه دولتها

رویه دولتها باید مورد ارزیابی قرار گیرد تا مشخص شود آیا از «شدت» کافی برای ایجاد حقوق بین المللی عرفی برخوردار می باشند یا خیر.^{۱۱} برای ایجاد یک قاعده حقوق بین المللی عرفی رویه دولتها باید عملاً «یکسان، گسترده و نمایانگر باشد»^{۱۲}.

نخست، برای آنکه رویه دولت بتواند موجب حقوق بین المللی عرفی شود، باید تقریباً «یکسان» باشد. دولت های مختلف نباید مبادرت به اقدامی کاملاً متفاوت کرده باشند. رویه دیوان بین المللی دادگستری نشان می دهد که رویه مغایر که ممکن است در نگاه اول باعث از میان رفتن یکسانی رویه مورد نظر شود، تا زمانی که رویه معارض از سوی دیگر دولت ها محکوم شده یا از سوی آن دولت انکار شده، مانع شکل گیری قاعده عرفی نیست. در حقیقت از طریق محکومیت یا انکار آن عمل است که قاعده مورد نظر عملاً تایید می شود.^{۱۳}

این مساله به ویژه در مورد شماری از قواعد حقوق بین المللی بشردوستانه که شواهد بسیاری از رویه دولتها در تایید آن و همچنین مدارک مکرر نقض آن قاعده وجود دارد، صادق است. در جایکه موارد نقض به همراه توضیح یا توجیه از سوی طرف مورد نظر و/یا محکومیت سایر دولتها همراه است، از چنان ماهیتی برخوردار نیستند که وجود قاعده مورد نظر را زیر سوال ببرند. دولتهایی که بخواهند

^{۱۱} - واژه «شدت» در این متن، از سر هامفری وادراک نقل شده است:

“General Course on Public International Law”, Collected Courses of the Hague Academy of International Law, Vol. 106, 1962, p. 44.

^{۱۲} - International Court of Justice, North Sea Continental Shelf cases, op. cit. (note 7), p. 43, § 74.

^{۱۳} - See International Court of Justice, Case concerning Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States), Merits, Judgment, 27 June 1986, ICJ Reports 1986, p. 98, § 186.

قاعده موجود حقوق بین المللی عرفی را تغییر دهند باید از طریق رویه رسمی آن را اعلام کرده و ادعا کنند که به حق هستند.

دوم، برای آنکه قاعده حقوق بین المللی عرفی به وجود آید رویه عملی دولت مورد نظر باید هم جامع و هم نمایانگر باشد اما لزومی ندارد که جهانی باشد؛ یک رویه «کلی» کافی است.^{۱۴} هیچ تعداد یا درصد خاصی از دولتها لازم نیست. این مساله که تعیین تعداد دقیق در مورد مشارکت لازم غیرممکن است بدین دلیل می باشد که چنین معیاری به جای کیفیت، کمیت را در نظر می گیرد. به دیگر سخن این مساله صرفاً "پرسش در مورد شمار دولتهایی که در چنین رویه ای شرکت دارند نیست، بلکه کدام دولت مهم است."^{۱۵} در دیوان بین المللی دادگستری در پرونده فلات قاره دریای شمال، رویه باید "شامل آن دولتهایی شود که منافع آنها به طور خاص متاثر می شود."^{۱۶}

این ملاحظه متضمن دو مطلب است: ۱- اگر همه "دولتهایی که به طور خاص متاثر می شوند" حاضر باشند، لازم نیست اکثر دولتها فعالانه در این رویه شرکت داشته باشند بلکه این دولتها باید دست کم با رویه "دولتهایی که به طور خاص متاثر شده اند" موافق باشند و ۲- اگر "دولتهایی که به طور خاص متاثر شده اند" رویه ای را نپذیرند، این رویه را نمی توان یک قاعده حقوق بین المللی عرفی دانست با وجود آنکه همانگونه که گفته شد در شکل گیری عرف، نیاز به اتفاق نیست.^{۱۷} "به طور خاص متاثر شدن" ممکن است تحت حقوق بین المللی بشردوستانه بر طبق شرایط مختلف باشد. برای نمونه در مورد مشروعیت استفاده از سلاح های لیزری کور کننده، "دولتهایی که به طور خاص متاثر می شوند" شامل دولتهایی نیز می شود که به طور مرتب چنین سلاح هایی را توسعه می دهند، حتی اگر احتمالاً سایر دولتها از کاربرد آن لطمه بینند. همچنین دولتهایی که مردمشان نیازمند کمک هستند، و همچنین دولتهایی که مرتباً کمک هایی را ارائه می کنند، «به طور خاص متاثر هستند». هنگامیکه رویه و طرز عمل دولتهایی که در درگیری های مسلحانه شرکت می کنند، در مورد قاعده خاص مرتبط با آن درگیری مسحانه در نظر گرفته می شود، آن دولتها در مورد در مورد آن قاعده حقوق بین المللی بشردوستانه، "به طور خاص متاثر" هستند. با وجود آنکه ممکن است دولتهایی که به طور خاص متاثر می شوند در محدوده های خاصی از حقوق بین المللی بشردوستانه وجود داشته باشند اما همه دولتها نفع حقوقی در الزام رعایت حقوق بین المللی بشردوستانه از سوی دیگر دولتها حتی اگر عضو درگیری

¹⁴- International Law Association, Final Report of the Committee on the Formation of Customary (General) International Law, Statement of Principles Applicable to the Formation of General Customary International Law, Report of the Sixty-Ninth Conference, London, 2000, Principle 14, p. 734 (hereinafter "ILA Report").

¹⁵- Ibid., commentary (d) and (e) to Principle 14, pp. 736-737.

¹⁶- International Court of Justice, North Sea Continental Shelf cases, op. cit. (note 7), p. 43, § 74.

¹⁷- ILA Report, op. cit. (note 13), commentary (e) to Principle 14, p. 737.

نباشند، دارند.^{۱۸} بعلاوه همه دولتها ممکن است از ابزارها و روش های جنگی مورد استفاده توسط سایر دولتها متأثر شوند. در نتیجه رویه همه دولتها باید در نظر گرفته شود حتی اگر در معنای دقیق «به طور خاص متأثر شدن» قرار نگیرند.

این تحقیق هیچ نظری در مورد اینکه آیا از نظر قانونی امکان «معارض پایدار» بودن در مقابل قواعد عرفی حقوق بین‌المللی بشردوستانه وجود دارد یا خیر، اتخاذ نمی‌کند. در حالیکه بسیاری از مفسران معتقدند که معارض پایدار بودن حتی در مورد قواعد با ماهیت آمره غیرممکن نیست اما دیگران بر ادامه اعتبار مفهوم معارض پایدار تردید کرده‌اند.^{۱۹} اگر کسی بپذیرد که از لحاظ حقوقی امکان اعتراض پایدار وجود دارد دولت مورد نظر باید بر وجود هنجار جدید در طول شکل‌گیری اعتراض کرده و به طور پایدار، اعتراض خود را پس از آن اعلام کند؛ امکان اعتراض متعاقب وجود ندارد.^{۲۰}

با وجود آنکه معمولاً «مدتی برای ظهور یک قاعده حقوق بین‌المللی عرفی وجود دارد اما هیچ چارچوب زمانی خاصی یافت نمی‌شود؛ بلکه انباشت یک رویه با شدت خاص از لحاظ یکسان بودن، وسعت و نمایندگی عوامل تعیین‌کننده هستند.^{۲۱}

عنصر معنوی

لزوم وجود عنصر معنوی در ایجاد یک قاعده حقوق بین‌المللی عرفی به آن اعتقاد حقوقی اشاره دارد که یک رویه خاص به عنوان «حق بودن» انجام می‌شود. شکلی بیان رویه و اعتقاد حقوقی ممکن است بسته به اینکه قاعده مورد نظر حاوی ممنوعیت، تعهد یا صرفاً «حق رفتار» به شکل خاصی باشد، تغییر کند.

در طول کار این تحقیق ثابت شد که تفکیک دقیق عنصر رویه از اعتقاد حقوقی بسیار مشکل و اساساً نظری است. معمولاً یک عمل هم بیانگر رویه و هم اعتقاد حقوقی است. همانگونه که انجمن حقوق بین‌المللی بیان می‌دارد، دیوان بین‌المللی دادگستری «اینگونه بیان نکرده است که صرفاً» به دلیل آنکه (ادعا می‌شود) عناصر مختلفی در حقوق عرفی وجود دارد، یک عمل نمی‌تواند بیانگر هر دو باشد. در حقیقت گاهی تفکیک این دو عنصر از یکدیگر بسیار مشکل و حتی غیر ممکن می‌شود.^{۲۲} این مساله علی‌الخصوص به این دلیل است که اقدامات شفاهی همچون دستور العمل‌های

¹⁸- See Customary International Humanitarian Law, op. cit. (note 4), Vol. I, commentary to Rule 144.

¹⁹- برای دیدن بحث دقیق در این مورد نگاه کنید به:

Maurice H. Mendelson, "The Formation of Customary International Law", Collected Courses of the Hague Academy of International Law, Vol. 272, 1998, pp. 227-244.

²⁰- ILA Report, op. cit. (note 13), commentary (b) to Principle 15, p. 738.

²¹- Ibid., commentary (b) to Principle 12, p. 731.

²²- Ibid., p. 718, § 10(c).

نظامی به عنوان رویه دولت محسوب شده و در عین حال بیانگر اعتقاد حقوقی دولت مورد نظر نیز می‌باشند.

هنگامیکه رویه ای با شدت کافی وجود داشته باشد، معمولاً "عنصر معنوی در خود رویه نهفته است و در نتیجه لازم نیست وجود عنصر معنوی به طور جداگانه نمایان شود اما در وضعیتهای مبهم، عنصر معنوی نقش مهمی را در تعیین اینکه آیا رویه مورد نظر می‌تواند باعث ایجاد عرف شود، ایفا می‌کند؛ این مطلب معمولاً در مورد ترک فعل مصداق دارد، جایکه دولتها دست به کنش یا واکنش نزده و دلیل آن هم مشخص نیست. در چنین مواردی است که هم دیوان بین‌المللی دادگستری و هم نهاد پیشین آن، دیوان دایمی دادگستری بین‌المللی درصدد تاسیس وجود مستقل عنصر معنوی بوده‌اند تا بتوانند مشخص کنند رویه‌های مبهم، موجب شکل‌گیری حقوق بین‌المللی عرفی هستند یا خیر.^{۲۳}

در محدوده حقوق بین‌المللی عرفی جایکه بسیاری از قواعد خودداری از برخی اقدامات را مقرر می‌دارند، ترک فعل مشکل خاصی در ارزیابی عنصر معنوی ایجاد می‌کند چرا که باید ثابت شود که خودداری اتفاقی نبوده بلکه بر مبنای انتظار مشروع انجام شده‌است؛ هنگامی که ترک فعل، در اسناد بین‌المللی و بیانیه‌های رسمی نمایان باشد، اثبات وجود تعهد حقوقی خودداری از عمل مورد نظر معمولاً ممکن است. بعلاوه چنین ترک فعلی ممکن است پس از آنکه رفتار مورد نظر مناقشه خاصی ایجاد کرد، روی دهد که خود کمکی است برای نشان دادن آنکه ترک فعل اتفاقی نبوده، اگرچه همواره اثبات اینکه ترک فعل به دلیل اعتقاد به وجود قاعده حقوقی انجام شده، آسان نیست.

تاثیر حقوق معاهدات

معاهدات نیز در تعیین حقوق بین‌المللی عرفی قابل استنادند چرا که نگرش دولتها را بر برخی قواعد حقوق بین‌المللی روشن می‌کند. بنابراین تصویب، تفسیر و اجرای یک معاهده شامل حق شرط و اعلامیه تفسیری در هنگام تصویب در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته‌اند. دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده فلات قاره دریای شمال آشکارا درجه تصویب یک معاهده را با ارزیابی حقوق

برای بررسی دقیق تر نگاه کنید به:

Peter Haggemacher, "La doctrine des deux éléments du droit coutumier dans la pratique de la Cour internationale", *Revue générale de droit international public*, Vol. 90, 1986, p. 5.

۲۳- برای نمونه نگاه کنید به:

Permanent Court of International Justice, *Lotus case (France v. Turkey)*, Judgment, 7 September 1927, PCIJ Ser. A, No. 10, p. 28

(دیوان دریافت که دولتها از تعقیب اعمال خلاف ارتكابی در کشتی خودداری کرده اند چرا که احساس می‌کردند از انجام چنین کاری منع شده اند)، (International Court of Justice, *North Sea Continental Shelf cases*, op. cit. (note 7), (pp. 43-44, §§ 76-77)؛ (دیوان دریافت دولتهایی که فلات قاره خود را بر مبنای اصل فاصله برابر محدوده نکرده اند، این مساله را بدان دلیل انجام نداده اند که احساس تعهد به آن می‌کرده اند).

ILA Report, op. cit. (note 13), Principle 17(iv) and commentary.

بین المللی عرفی مرتبط دانسته است. در این پرونده دیوان اعلام می‌دارد که "شمار تصویب یا الحاق، که تاکنون مورد بررسی قرار گرفته‌اند (۳۹) با وجود احترام، اما ناکافی هستند"، به ویژه در جاییکه رویه خارج از معاهدات مغایر آن است.^{۲۴} برعکس در پرونده نیکاراگوئه، دیوان اهمیت بسیاری را برای قاعده عدم مداخله بر مبنای این حقیقت که منشور ملل متحد توسط عموم دولت‌ها تصویب شده، قائل شد.^{۲۵} حتی ممکن است قاعده قراردادی با وجود آنکه معاهده مورد نظر هنوز لازم الاجرا نشده است، بیانگر حقوق عرفی باشد البته به شرط آنکه رویه‌های مشابه از جمله رویه دولتهایی که "به طور خاص متاثر می‌شوند"، به اندازه کافی وجود داشته باشد و در نتیجه احتمال بسیار کمی برای مخالفت با آن قاعده باقی بماند.^{۲۶}

در عمل تهیه پیش نویس هنجارهای قراردادی به متمرکز کردن عقیده عمومی جهانیان بر یک تعهد حقوقی کمک کرده و تاثیر غیرقابل انکاری بر رفتار بعدی و اعتقاد حقوقی دولتها دارد. دیوان بین المللی دادگستری این امر را در حکم قضیه فلات قاره شناسایی کرد و اعلام نمود که "معاهدات دو جانبه می‌تواند نقش مهمی در ثبت و تعریف قواعد ناشی از عرف یا در حقیقت در توسعه آن ایفا کند."^{۲۷} در نتیجه دیوان تایید نمود معاهدات ممکن است حقوق بین المللی عرفی که از قبل وجود داشته، تدوین کرده و همچنین می‌توانند مبنایی برای توسعه عرفهای جدید بر مبنای هنجارهای موجود در این معاهدات ایجاد کنند. دیوان تا به آن حد پیش رفت که اعلام نمود «... ممکن است مشارکت گسترده و نمایانگر در یک کنوانسیون به خودی خود [برای شکل‌گیری عرف] کافی باشد به شرط آنکه [این مشارکت] شامل دولتهایی که منافع آنها به طور خاص متاثر شده، بگردد».^{۲۸}

این پژوهش روند محتاطانه‌ای را در پیش می‌گیرد و تصویب گسترده را صرفاً "نشانه‌ای می‌داند که باید در ارتباط با سایر عناصر عملی به ویژه رویه دولتهایی که عضو معاهده مورد نظر نیستند، سنجیده شود. رویه هماهنگ دولت‌های غیرعضو به عنوان یک مدرک مثبت مهم در نظر گرفته

²⁴ - International Court of Justice, North Sea Continental Shelf cases, op. cit. (note 7), p. 42, § 73.

²⁵ - International Court of Justice, Case concerning Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua, op. cit. (note 12), pp. 99-100, § 188.

عامل مهم دیگر در تصمیم دیوان آن بود که قطعنامه‌های مرتبط مجمع عمومی به ویژه قطعنامه ۲۶۲۵ (XXV) در مورد روابط دوستانه میان

دولتها که بدون رای گیری تصویب شده بود، به طور گسترده مورد تایید قرار گرفت.

²⁶ - International Court of Justice, Continental Shelf case, op. cit. (note 6), p. 33, § 34.

دیوان بر این اعتقاد است که مفهوم منطقه انحصاری اقتصادی بخشی از حقوق بین المللی عرفی است، اگرچه کنوانسیون سازمان ملل در مورد حقوق دریاها هنوز لازم الاجرا نشده بود، چرا که شمار دعاوی نسبت به منطقه انحصاری اقتصادی به ۵۶ عدد رسیده که شامل دولتهایی که به طور خاص متاثر شده اند، می‌گردد.

²⁷ - International Court of Justice, Continental Shelf case, op. cit. (note 6), pp. 29-30, § 27.

²⁸ - International Court of Justice, North Sea Continental Shelf cases, op. cit. (note 7), p. 42, § 73; see also ILA Report, op. cit. (note 13), Principles 20-21, 24, 26 and 27, pp. 754-765.

شده است. همچنین رویه مغایر دولت‌های غیرعضو مدرک منفی مهمی تلقی گردیده است. رویه دولت‌های عضو معاهده در مقابل دول غیرعضو نیز از اهمیت خاصی برخوردار است.

در نتیجه این تحقیق خود را به رویه دولت‌های غیرعضو در معاهدات مرتبط حقوق بین‌المللی بشردوستانه محدود نمی‌کند. برای نمونه محدود کردن تحقیق به ملاحظه رویه تنها ۳۰ دولت که پروتکل‌های الحاقی را تصویب نکرده‌اند با آن شرط که حقوق بین‌المللی عرفی باید بر مبنای رویه گسترده و نمایانگر باشد، مطابقت ندارد. در نتیجه در ارزیابی وجود حقوق عرفی این مساله در نظر گرفته شده بود که در زمان انتشار تحقیق، پروتکل اول الحاقی توسط ۱۶۲ کشور و پروتکل دوم الحاقی از سوی ۱۵۷ کشور تصویب شده بود.

باید بر این مساله تاکید کرد که این تحقیق درصدد تعیین ماهیت عرفی قواعد قراردادی حقوق بین‌المللی بشردوستانه نبوده و در نتیجه لزوماً از ساختار معاهدات موجود تبعیت نمی‌کند، بلکه این پژوهش درصدد تحلیل مسائل به منظور تعیین آن است که چه قواعدی از حقوق بین‌المللی عرفی را می‌توان از رویه دولت‌ها استنباط کرد. به دلیل آنکه در روش انتخاب شده، مقررات هر معاهده‌ای به قصد بررسی عرفی بودن یا نبودن مورد بررسی قرار نمی‌گیرد، نمی‌توان نتیجه گرفت که یک قاعده قراردادی خاص صرفاً به دلیل اینکه به این عنوان در این پژوهش مطرح نشده، عرفی نیست.

سازماندهی تحقیق

به منظور تعیین بهترین روش انجام وظیفه محوله بر کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ، نویسندگان با گروهی از کارشناسان دانشگاهی در زمینه حقوق بین‌المللی بشردوستانه مشورت کردند که کمیته تخصصی این تحقیق را تشکیل دادند.^{۲۹} کمیته تخصصی برنامه عملی را در ژوئن ۱۹۹۶ تصویب کرد و کار در اکتبر همان سال آغاز شد. تحقیق با استفاده از منابع ملی و بین‌المللی که بیانگر رویه دولت‌ها بود و با تمرکز بر ۶ بخش که در برنامه عمل تحقیق شناسایی شده بود، آغاز گشت:

- اصل تفکیک
- افراد و اموال مورد حمایت خاص
- روش‌های خاص جنگی
- سلاح‌ها
- رفتارها با غیرنظامیان و افراد خارج از نبرد (hors de combat)
- اجرا

^{۲۹} این کمیته شامل پرفسور جروج ابی صعب، صالح الدین آمر، او برینگ، اریک دیوید، جان دوگارد، فلورنتینو فلیسیانو، فرانسوا هامپسون، تئودور مرو، جمشید ممتاز، میلان ساهویچ و رائل امیلیا و نیونسا بود.

تحقیق در منابع داخلی

به دلیل آنکه دسترسی به منابع داخلی در درون کشور آسان تر بود، تصمیم گرفته شد که همکاری محققان ملی کسب شود. بدین منظور یک محقق یا گروهی از محققان در حدود ۵۰ کشور (۹ کشور در آفریقا، ۱۱ کشور در آمریکا، ۱۵ کشور در آسیا، ۱ کشور در استرالیا و ۱۱ کشور در اروپا) شناسایی شده و از آنها خواسته شد که گزارشی در مورد رویه دولت خود تهیه کنند.^{۳۰}

این کشورها بر مبنای نمایندگی جغرافیایی و همچنین تجارب جدید از انواع درگیری‌های مسلحانه که در آن روش‌های مختلف جنگی مورد استفاده قرار گرفته بود، انتخاب شدند.

دستورالعمل‌های نظامی و قوانین ملی کشورهایی که شامل روند گزارش‌دهی نمی‌شدند نیز مورد بررسی قرار گرفته و جمع‌آوری شدند. این کار از طریق شبکه نمایندگی‌های کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ در سراسر جهان و مجموعه گسترده قوانین ملی که توسط اداره مشورتی حقوق بین‌المللی بشر دوستانه کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ جمع‌آوری شده بود، تسهیل گردید.

تحقیق در منابع بین‌المللی

رویه دولتی در منابع بین‌المللی توسط شش گروه جمع‌آوری شد که هر یک بر بخشی از این تحقیق تمرکز داشت.^{۳۱}

این تیم‌ها، رویه دولت‌ها را در چارچوب سازمان ملل متحد و سایر سازمان‌های بین‌المللی از جمله اتحادیه آفریقا (سازمان وحدت آفریقای سابق)، شورای اروپا، شورای همکاری خلیج، اتحادیه اروپا، اتحادیه دولتهای عرب، سازمان دولت‌های آمریکایی، سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان امنیت و همکاری اروپا مورد بررسی قرار دادند. رویه قضایی بین‌المللی نیز تا حدی که مدارک و شواهد برای وجود قواعد حقوق بین‌المللی عرفی فراهم می‌کرد، جمع‌آوری شدند.

تحقیق در آرشیو کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ

۳۰- آفریقا: اتیوپی، آفریقای جنوبی، آنگولا، بوتسوانا، الجزیره، رواندا، زیمباوه، مصر و نیجریه؛ آمریکا: آرژانتین، اروگوئه، ایالات متحده آمریکا، برزیل، پرو، السالوادور، شیلی، کانادا، کلمبیا، کوبا و نیکاراگوئه؛ آسیا: اردن، اسرائیل، اندونزی، ایران، پاکستان، جمهوری کره، چین، ژاپن، سوریه، عراق، فیلیپین، کویت، لبنان، مالزی و هندوستان؛ استرالیا: استرالیا؛ اروپا: اسپانیا، آلمان، انگلستان، ایتالیا، بلژیک، بوسنی و هرزگوین، فدراسیون روسیه، فرانسه، کرواسی، هلند و یوگسلاوی.

۳۱- اصل تفکیک: پرفسور جرج اِبی اصعب (گزارشگر) و ژان فرانسوا اکینر (محقق)؛ افراد و اموال مورد حمایت خاص: پرفسور هورست فیشر (گزارشگر) و گرگور شاتن و هایک اسپیکو (محقق)؛ روش‌های جنگی خاص: پرفسور تئودور مرون (گزارشگر) و ریچارد دسگاگنه (محقق)؛ سلاح‌ها: پرفسور او برینگ (گزارشگر) و گوستاو لیند (محقق)؛ رفتار با غیرنظامیان و کسانیکه سلاح خود را به زمین گذاشته‌اند: فرانسوا همسون (گزارشگر) و کامیل گیفارد (محقق)؛ اجرا: اریک دیوید (گزارشگر) و ریچارد دسگاگنه (محقق).

برای تکمیل تحقیق انجام شده در منابع ملی و بین المللی، کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ از آرشیو خود در خصوص ۴۰ درگیری مسلحانه اخیر (۲۱ مورد در آفریقا، ۸ مورد در آسیا و ۸ مورد در اروپا) استفاده کرد.^{۳۲} به طور کلی به این دلیل این درگیریها انتخاب شدند که کشورها و درگیری‌هایی که گزارشی در مورد آنان ارائه نمی شود، بدین طریق مورد مطالعه قرار گیرند. نتیجه این روند سه گانه - تحقیق در منابع داخلی، بین‌المللی و کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ، آن است که رویه اقصی نقاط جهان ذکر شده‌اند. اما به هر حال به دلیل ماهیت امور، نمی توان ادعا کرد این تحقیق کامل است. این پژوهش به منظور اطمینان از اینکه نتایج آن، بیان دوباره حقوق بین‌المللی عرفی معاصر است، به طور خاص به رویه ۳۰ سال گذشته پرداخته اما در موارد مقتضی، رویه‌های قبلی نیز ذکر شده‌اند.

مشورت‌های تخصصی

کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ در دور نخست مشورت‌ها از گروه‌های تحقیق بین‌المللی دعوت کرد که خلاصه اجرایی حاوی ارزیابی اولیه خود از حقوق بین‌المللی عرفی بر مبنای رویه‌هایی که تاکنون جمع‌آوری شده، تهیه کنند. این خلاصه‌های اجرایی در کمیته تخصصی طی سه اجلاس در ژنو در سال ۱۹۹۸ مورد بحث قرار گرفت. خلاصه‌های اجرایی به نحو مقتضی بازنگری شد و در طول دور دوم مشورت به یک گروه از کارشناسان دانشگاهی و دولتی از همه نقاط جهان ارائه شد. این کارشناسان توسط کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ بر مبنای ظرفیت‌های شخصی به منظور شرکت در دو نشست کمیته تخصصی در ژنو در سال ۱۹۹۹ دعوت شدند. این گروه در طول نشست‌ها در ارزیابی رویه‌های جمع‌آوری شده و بیان برخی رویه‌های از قلم افتاده کمک کردند.^{۳۳}

۳۲- آفریقا: اتیوپی (۱۹۹۴-۱۹۷۳)، اریتره - یمن، آنگولا، اوگاندا، بروندی، جمهوری دموکراتیک کنگو، جیبوتی، چاد، رواندا، سنگال، سودان، سومالی-اتیوپی، سیرالئون، صحرای غربی، لیبیا، موریتانی، موزامبیک، نامیبیا و نیجریه-کامرون؛ آمریکا: گواتمالا و مکزیک؛ آسیا: افغانستان، اریتره (همچنین در آفریقا)، تاجیکستان، سریلانکا، کامبوج، گینه‌نو، هند (جامه و کشمیر)، یمن و چین؛ اروپا: ارمنستان، آذربایجان، قبرس، یوگسلاوی سابق (درگیری در یوگسلاوی (۱۹۹۱-۱۹۹۲)، درگیری در بوسنی و هرزگوین (۱۹۹۶-۱۹۹۲)، درگیری در کرواسی (۱۹۹۵-۱۹۹۲)، گرجستان (آبغازی)، فدراسیون روسیه، چین و ترکیه.

۳۳- کارشناسان دانشگاهی و دولتی ذیل، با توجه به ظرفیت شخصی در این مشورت شرکت داشتند:

Abdallah Ad-Douri (Iraq), Paul Berman (United Kingdom), Sadi Çaycı (Turkey), Michael Cowling (South Africa), Edward Cummings (United States of America), Antonio de Icaza (Mexico), Yoram Dinstein (Israel), Jean-Michel Favre (France), William Fenrick (Canada), Dieter Fleck (Germany), Juan Carlos Gómez Ramírez (Colombia), Jamshed A. Hamid (Pakistan), Arturo Hernández-Basave (Mexico), Ibrahim Idriss (Ethiopia), Hassan Kassem Jouni (Lebanon), Kenneth Keith (New Zealand), Githu Muigai (Kenya), Rein Müllerson (Estonia), Bara Niang (Senegal), Mohamed Olwan (Jordan), Raul C. Pangalangan (Philippines), Stelios Perrakis (Greece), Paulo Sergio Pinheiro (Brazil), Arpád Prandler (Hungary), Pemmaraju Sreenivasa Rao (India), Camilo Reyes Rodríguez (Colombia), Itse E. Sagay (Nigeria), Harold Sandoval (Colombia), Somboon Sangianbut (Thailand), Marat A. Sarsembayev (Kazakhstan), Muhammad Aziz Shukri (Syria), Parlaungan Sihombing (Indonesia), Geoffrey James Skillen (Australia), Guoshun Sun (China), Bakhtyar Tuzmukhamedov (Russia) and Karol Wolfk e (Poland).

نگارش گزارش

ارزیابی کمیته تخصصی توسط گروه کارشناسان دانشگاهی و دولتی بازنگری شد و به عنوان مبنایی برای نوشتن گزارش نهایی مورد استفاده قرار گرفت. نویسندگان این تحقیق رویه‌ها را دوباره مورد بازنگری قرار داده، وجود عرف را دوباره ارزیابی کرده، تنظیم و ترتیب قوانین را ملاحظه کرده و پیش نویس تفسیرها را تنظیم نمودند. پیش نویس‌ها به کمیته تخصصی، گروه کارشناسان دانشگاهی و دولتی و اداره حقوقی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ برای کسب نظر ارائه شد. سپس متن با در نظر گرفتن نظرات ارائه شده، تغییر یافت و نهایی شد.

خلاصه‌ای از یافته‌ها

اکثر مقررات کنوانسیون‌های ژنو شامل ماده ۳ مشترک به عنوان بخشی از حقوق بین‌المللی عرفی تلقی می‌شوند.^{۳۴} به علاوه با در نظر گرفتن آنکه در حال حاضر ۱۹۲ کشور عضو کنوانسیون‌های ژنو هستند، این معاهدات تقریباً برای همه دولتها مطابق حقوق معاهدات لازم‌الاجراست. بنابراین ماهیت عرفی مقررات کنوانسیون‌ها به این نحو در این پژوهش مورد بررسی قرار نگرفت بلکه توجه این پژوهش بر مسائلی است که توسط معاهداتی تنظیم شده‌اند که مورد تصویب جهانی قرار نگرفته‌اند، به ویژه پروتکل‌های الحاقی، کنوانسیون لاهه در حمایت از اموال فرهنگی و شماری از کنوانسیون‌های خاص تنظیم‌کننده موارد استفاده از سلاح.

توصیف ذیل از قواعد حقوق بین‌المللی عرفی به قصد توضیح چرایی عرفی شناخته شدن این قواعد یا رویه‌ای که بر مبنای آن این نتیجه‌گیری اتخاذ شد، نمی‌باشد. توضیح چرایی عرفی دانستن یک قاعده در جلد اول این تحقیق آمده در حالیکه رویه مورد نظر در جلد دوم یافت می‌شود.

درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی

پروتکل اول الحاقی قواعد از پیش موجود حقوق بین‌المللی عرفی را تنظیم کرده و همچنین مبنایی برای شکل‌گیری قواعد عرفی جدید مقرر می‌دارد. رویه جمع‌آوری شده در چارچوب این پژوهش شاهدهی است بر تاثیر عمیق پروتکل اول الحاقی بر رویه دولتها هم در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و هم غیربین‌المللی (به بخش بعد نگاه کنید). به طور خاص این تحقیق به این نتیجه می‌رسد

³⁴ - International Court of Justice, Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, op. cit. (note 8), pp. 257-258, §§ 79 and 82 (with respect to the Geneva Conventions) and Case concerning Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua, op. cit. (note 12), p. 114, § 218 (with respect to common Article 3).

که اصول اساسی پروتکل اول الحاقی به طور بسیار گسترده‌ای، بیش از آنچه موارد ثبت شده تصویب بیان می‌دارد، مورد قبول واقع شده است.

اگرچه این پژوهش در صدد تعیین ماهیت عرفی مقررات خاص قراردادی نبود اما در پایان، مشخص شد که قواعد عرفی بسیاری وجود دارند که همانند یا شبیه قواعد مندرج در معاهدات هستند. نمونه‌های قواعد عرفی که در پروتکل اول الحاقی نیز ذکر شده‌اند شامل موارد زیر است: اصل تفکیک میان غیرنظامیان و رزمندگان و میان اموال غیرنظامی و اهداف نظامی،^{۳۵} ممنوعیت حمله کورکورانه،^{۳۶} اصل تناسب در حمله،^{۳۷} تکلیف اتخاذ کلیه تدابیر احتیاطی قابل پیش‌بینی در حمله و در مقابل تاثیرات حمله،^{۳۸} تکلیف به احترام و حمایت از کارکنان پزشکی و مذهبی، واحدهای پزشکی و حمل و نقل،^{۳۹} کارکنان و اموال امدادی بشردوستانه^{۴۰} و خبرنگاران غیرنظامی،^{۴۱} تکلیف حمایت از وظایف پزشکی،^{۴۲} ممنوعیت حمله به مناطق بی‌دفاع و غیرنظامی شده،^{۴۳} تکلیف امان دادن و سالم نگه‌داشتن دشمنی که از نبرد خارج شده‌است،^{۴۴} ممنوعیت اعمال گرسنگی اجباری،^{۴۵} ممنوعیت حمله به اموالی که برای بقای جمعیت غیرنظامی ضروری است،^{۴۶} ممنوعیت استفاده نادرست از نشان و خیانت،^{۴۷} تکلیف رعایت تضمینات بنیادین برای جمعیت غیرنظامی و افرادی که از نبرد خارج شده‌اند،^{۴۸} تکلیف به رسیدگی به وضعیت افراد مفقودالاثر^{۴۹} و حمایت‌های خاص برای زنان و کودکان.^{۵۰}

درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی

³⁵ - See Customary International Humanitarian Law, op. cit. (note 4), Vol. I, Rules 1 and 7.

³⁶ - Ibid., Rules 11-13.

³⁷ - Ibid., Rule 14.

³⁸ - Ibid., Rules 15-24.

³⁹ - Ibid., Rules 25 and 27-30.

⁴⁰ - Ibid., Rules 31-32.

⁴¹ - Ibid., Rule 34.

⁴² - Ibid., Rule 26.

⁴³ - Ibid., Rules 36-37.

⁴⁴ - Ibid., Rules 46-48.

⁴⁵ - Ibid., Rule 53.

⁴⁶ - Ibid., Rule 54.

⁴⁷ - Ibid., Rules 57-65.

⁴⁸ - Ibid., Rules 87-105.

⁴⁹ - Ibid., Rule 117.

⁵⁰ - Ibid., Rules 134-137.

در چند دهه اخیر، شمار قابل توجهی رویه در پافشاری بر اعمال حمایت‌های حقوق بین‌المللی بشردوستانه بر این گونه درگیری‌ها قابل مشاهده بوده‌است. این مجموعه رفتارها تاثیر قابل توجهی بر شکل‌گیری حقوق عرفی قابل اعمال بر درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی داشته‌است. پروتکل دوم الحاقی همانند پروتکل اول تاثیر بسیاری بر این رویه داشته و در نتیجه بسیاری از مقررات آن بخشی از حقوق بین‌المللی عرفی را تشکیل می‌دهد. نمونه‌ای از قواعد عرفی مندرج در پروتکل دوم الحاقی عبارتند از: ممنوعیت حمله به غیرنظامیان،^{۵۱} تکلیف احترام و حمایت از کارکنان پزشکی و مذهبی، واحدها و حمل و نقل پزشکی،^{۵۲} تکلیف حمایت از وظایف پزشکی،^{۵۳} ممنوعیت اعمال قحطی،^{۵۴} ممنوعیت حمله به اموالی که برای بقای جمعیت غیرنظامی ضروری است،^{۵۵} تکلیف به رعایت تضمینات اساسی برای غیرنظامیان و کسانیکه خارج از میدان نبرد هستند،^{۵۶} تکلیف جستجو، احترام و حمایت از مجروحان، بیماران و کشتی‌شکستگان،^{۵۷} تکلیف جستجو و محافظت از مردگان،^{۵۸} تکلیف حمایت از افرادی که آزادی خود را از دست داده‌اند،^{۵۹} ممنوعیت انتقال اجباری غیرنظامیان^{۶۰} و حمایت‌های خاص برای زنان و کودکان.^{۶۱}

با این حال مهمترین سهم حقوق بین‌المللی عرفی در تنظیم درگیری‌های مسلحانه داخلی آن است که این مجموعه، از مقررات پروتکل دوم الحاقی بسیار فراتر می‌رود. در حقیقت، رویه باعث ایجاد تعداد مهمی از قواعد عرفی شده که از مقررات ابتدایی پروتکل دوم الحاقی بسیار مفصل‌تر بوده و در نتیجه خلأ موجود در درگیری‌های مسلحانه داخلی را پرمی‌کند.

برای نمونه پروتکل دوم الحاقی تنها یک قاعده ابتدایی برای هدایت مخاصمات دارد. ماده ۱۳ مقرر می‌دارد که "جمعیت غیرنظامی و همچنین افراد غیرنظامی نباید هدف حمله قرار گیرند مگر و تازمانیکه در مخاصمات شرکت مستقیم داشته باشند." پروتکل دوم الحاقی برخلاف پروتکل اول حاوی قاعده خاص و تعاریفی در مورد اصول تفکیک و تناسب نیست.

⁵¹ - Ibid., Rule 1.

⁵² - Ibid., Rules 25 and 27-30.

⁵³ - Ibid., Rule 26.

⁵⁴ - Ibid., Rule 53.

⁵⁵ - Ibid., Rule 54.

⁵⁶ - Ibid., Rules 87-105.

⁵⁷ - Ibid., Rules 109-111.

⁵⁸ - Ibid., Rules 112-113.

⁵⁹ - Ibid., Rules 118-119, 121 and 125.

⁶⁰ - Ibid., Rule 129.

⁶¹ - Ibid., Rules 134-137.

با این حال خلاء موجود در مقررات ناظر بر هدایت مخاصمات در پروتکل دوم الحاقی از طریق رویه دولتها که منجر به ایجاد قواعدی همانند مقررات مندرج در پروتکل اول الحاقی شده از میان رفته است؛ قواعدی که به دلیل عرفی بودن، بر درگیری مسلحانه غیربین‌المللی نیز اعمال می‌شود. این مساله شامل اصول اولیه هدایت مخاصمات نیز شده و شامل قواعدی در مورد افراد و اموال مورد حمایت خاص و روش های جنگی خاص می‌گردد.^{۶۲}

همچنین پروتکل دوم الحاقی تنها یک قاعده بسیار کلی در مورد کمکهای بشردوستانه برای جمعیت غیرنظامی در معرض خطر دارد. بند ۲ ماده ۱۸ مقرر می‌دارد: "اگر جمعیت غیرنظامی به دلیل کمبود منابع ضروری برای بقا در مضیقه قرار گرفته باشند، اقدامات امدادی برای جمعیت غیرنظامی با ماهیت صرفاً" بشردوستانه و بی‌طرف و بدون تبعیض ناروا انجام می‌گیرد." پروتکل دوم الحاقی برخلاف پروتکل اول الحاقی حاوی قاعده خاصی در مورد احترام و حمایت از کارکنان و اموال امدادی بشردوستانه و مکلف کردن طرفهای درگیری به صدور مجوز و تسهیل عبور سریع و بدون مانع کمکهای بشردوستانه برای جمعیت غیرنظامی نیازمند و تضمین آزادی حرکت کارکنان امدادی بشردوستانه برای جمعیت غیرنظامی نیازمند نیست، اگرچه می‌توان استدلال کرد که چنین شرایطی به طور ضمنی در بند ۲ ماده ۱۸ وجود دارند. با این حال این مقتضیات در نتیجه‌ی رویه یکسان، گسترده و نماینگر جزء حقوق بین‌المللی عرفی قابل اعمال بر درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی شده است.

در این زمینه شایان ذکر است که اگرچه پروتکل‌های الحاقی اول و دوم هر دو رضایت طرف‌های درگیر را برای انجام اقدامات امدادی ضروری می‌دانند،^{۶۳} اما در اکثر رویه‌های جمع‌آوری شده این شرط وجود ندارد. با این وجود آشکار است که یک سازمان بشردوستانه نمی‌تواند بدون رضایت طرف مورد نظر دست به فعالیت زند. اما چنین رضایتی نباید به دلایل خودسرانه رد شود. اگر مشخص شد جمعیت غیرنظامی مورد تهدید قحطی قرار دارند و سازمان بشردوستانه‌ای با بی‌طرفی و بدون تبعیض می‌تواند این مشکل را حل کند، آن طرف درگیری مکلف به اعلان رضایت است.^{۶۴} رویه‌ها نشان می‌دهند که اگرچه نمی‌توان به دلایل خودسرانه از رضایت عدول کرد اما طرف مورد نظر

۶۲- برای نمونه نگاه کنید به: قواعد ۱۰-۷ (تفکیک میان اموال غیرنظامی و اهداف نظامی)، قواعد ۱۳-۱۱ (حمله کورکورانه)، قاعده ۱۴ (تناسب در حمله)، قواعد ۲۱-۱۵ (اقدامات احتیاطی در حمله)، قاعده ۲۴-۲۲ (اقدامات احتیاطی علیه تأثیرات جنگ)، قواعد ۳۲-۳۱ (کارکنان و اموال امدادی بشردوستانه)، قاعده ۳۴ (خبرنگاران غیرنظامی)، قواعد ۳۷-۳۵ (مناطق حمایت شده)، قواعد ۴۸-۴۶ (امان ندادن)، قاعده ۵۶-۵۵ (دسترسی به کمکهای بشردوستانه) و قواعد ۷۵-۶۵ (اغفال).

۶۳- نگاه کنید به بند ۱ ماده ۷۰ پروتکل اول الحاقی و بند ۲ ماده ۱۸ پروتکل دوم الحاقی

۶۴ - See Yves Sandoz, Christophe Swinarski, Bruno Zimmermann (eds.), *Commentary on the Additional Protocols*, ICRC, Geneva, 1987, § 4885; see also § 2805.

می‌تواند کنترل خود را در مورد اقدامات امدادی اعمال کرده و کارکنان امدادی بشردوستانه باید به قوانین داخلی در مورد نحوه دسترسی به سرزمین و مقتضیات امنیتی لازم الاجرا احترام گذارند.

مسائلی که نیاز به تبیین بیشتری دارند

همچنین در این پژوهش، مواردی که رویه‌ی دولتها در آن مشخص نیست، آشکار شده‌اند. برای نمونه در حالیکه واژه "رزمنده" و "غیرنظامی" به طور مشخص در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی تعریف شده‌اند،^{۶۵} رویه دولتها در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی مبهم است چرا که در قواعد ناظر بر هدایت مخاصمات مشخص نیست، اعضای گروه‌های مسلح مخالف، اعضای نیروهای مسلح تلقی می‌شوند یا غیرنظامی. به ویژه مشخص نیست که اعضای گروه‌های مسلح مخالف غیرنظامیانی هستند که هنگام مشارکت مستقیم در درگیری‌ها حمایت خود را در مقابل حمله از دست داده‌اند یا اعضای چنین گروه‌هایی هدف مجاز برای حمله تلقی می‌شوند. این ابهام در حقوق معاهده‌ای هم وجود دارد برای نمونه پروتکل دوم الحاقی هیچ تعریفی از غیرنظامی یا جمعیت غیرنظامی ارائه نمی‌دهد اگرچه این واژه در مقررات مختلف به کار گرفته شده است.^{۶۶} معاهدات بعدی قابل اعمال بر درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی نیز واژه غیرنظامی و جمعیت غیرنظامی را بدون ارائه تعریف به کار برده است.^{۶۷}

یکی دیگر از زمینه‌های ابهام که بر مقررات درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی تاثیر می‌گذارد، نبود تعریف دقیق از واژه "مشارکت مستقیم در مخاصمات" است. هنگامیکه یک غیرنظامی علیه اهداف انسانی یا مادی دشمن دست به سلاح یا سایر ابزارها برای ارتکاب اقدامات خشن می‌برد، از دست دادن حمایت در مقابل حمله آشکار و بدون بحث است. اما رویه‌هایی نیز وجود دارد که راهنمایی اندکی در مورد تفسیر عبارت "مشارکت مستقیم" بدست می‌دهد برای نمونه این گفته که باید ارزیابی موردبه‌مورد به عمل آید یا صرفاً "تکرار قاعده کلی مبنی بر اینکه شرکت مستقیم در مخاصمات باعث از بین رفتن حمایت غیرنظامیان در مقابل حمله می‌شود. مرتبط با این بحث، مساله چگونگی توصیف فرد در موارد شک و تردید است. کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ به دلیل این

⁶⁵ See Customary International Humanitarian Law, op. cit. (note 4), Vol. I, Rule 3 (combatants), Rule 4 (armed forces) and Rule 5 (civilians and civilian population).

⁶⁶ مواد ۱۵-۱۳ و ۱۸-۱۷ پروتکل دوم الحاقی

⁶⁷ برای نمونه نگاه کنید به پروتکل دوم اصلاحی کنوانسیون برخی سلاح‌های متعارف بند ۱۱-۷ ماده ۳۰، پروتکل سوم کنوانسیون برخی سلاح‌های متعارف، ماده ۲۰؛ کنوانسیون اتاوا در ممنوعیت مین‌های ضدنفر، مقدمه؛ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، جزء ۴ و ۳ و ۱ از شق ه بند ۲ ماده ۸.

ابهامات در صدد تبیین مفهوم مشارکت مستقیم از طریق برگزاری اجلاس‌هایی از کارشناسان از سال ۲۰۰۳ برآمد.^{۶۸}

مساله دیگری که همچنان مورد بحث است محدوده دقیق و اجرای اصل تناسب در حمله است. در حالیکه در این پژوهش، مشخص شد حمایت گسترده از این اصل وجود دارد اما بیشتر از آنچه در حقوق معاهدات در خصوص چگونگی برقراری تعادل میان مزیت نظامی و خسارات فرعی بر غیرنظامیان ارائه شده، توضیحی به دست نمی‌دهد.

برخی مسائل در هدایت مخاصمات

پروتکل الحاقی اول و دوم، حاوی قاعده‌ی جدیدی در ممنوعیت حمله به تاسیسات و فعالیت‌های حاوی انرژی خطرناک، حتی هنگامیکه این اموال جزء اهداف نظامی قرار گیرند، می‌باشد به شرط آنکه چنین حمله‌ای باعث آزاد شدن انرژی‌های خطرناکی شود که منجر به لطمات شدید به جمعیت غیرنظامی گردد.^{۶۹} در حالیکه مشخص نیست آیا این قواعد خاص، بخشی از حقوق عرفی است یا خیر، رویه دولتها نشان می‌دهد که دولتها از خطرات بالای صدمه به جمعیت غیرنظامی ناشی از حمله به چنین فعالیتها و تاسیساتی در هنگامی که هدف نظامی تلقی می‌شوند، آگاهی دارند. در نتیجه دولتها بر این اعتقادند که باید در هر درگیری مسلحانه‌ای، دقت خاصی در خصوص حمله به عمل‌آید تا از آزادسازی انرژی‌های خطرناک و در پی آن ورود لطمه شدید به جمعیت غیرنظامی جلوگیری شود و این شرط بخشی از حقوق بین‌المللی عرفی قابل اعمال بر هرگونه درگیری مسلحانه است.

قاعده جدید دیگری که در پروتکل اول الحاقی درج شده، ممنوعیت استفاده از روش‌ها و ابزارهای جنگی به قصد ایراد خسارت گسترده، طولانی مدت و شدید بر محیط زیست یا ابزارها و روش‌هایی است که انتظار می‌رود چنین تاثیری داشته‌باشند. از زمان تصویب پروتکل اول الحاقی این ممنوعیت از چنان حمایت گسترده‌ای در رویه دولتها برخوردار بوده که حتی با وجود آنکه برخی دولت‌ها مصرافاً اعلام نمودند که این قاعده بر سلاح‌های هسته‌ای اعمال نمی‌شود و در نتیجه در خصوص سلاح‌های هسته‌ای ملزم به رعایت آن نیستند، به صورت عرف درآمده است.^{۷۰} این پژوهش در ورای این قاعده خاص به این نتیجه می‌رسد که محیط زیست طبیعی به عنوان یک مال غیرنظامی تلقی شده و در نتیجه با همان اصول و قواعد حمایت کننده از اموال غیرنظامی به ویژه اصول تفکیک و تناسب و لزوم اتخاذ تدابیر احتیاطی در حمله مورد حمایت قرار می‌گیرد. این امر بدان معناست که هیچ

⁶⁸ - See, e.g., Direct Participation in Hostilities under International Humanitarian Law, Report prepared by the International Committee of the Red Cross, Geneva, September 2003, available on www.icrc.org.

⁶⁹- بند ۱ ماده ۵۶ پروتکل اول الحاقی (که در بند ۲ استثنای آن ذکر شده) و ماده ۱۵ پروتکل دوم الحاقی (بدون هیچ استثنایی).

⁷⁰- See Customary International Humanitarian Law, op. cit. (note 4), Vol. I, Rule 45.

بخشی از محیط زیست طبیعی نباید هدف حمله قرار گیرد مگر آنکه هدف نظامی باشد و حمله به یک هدف نظامی که احتمال ورود خسارات فرعی به محیط زیست رود و این خسارات در مقایسه با مزیت نظامی دقیق و مستقیم بسیار بیشتر باشد، ممنوع است. دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی خود در قضیه سلاح‌های هسته‌ای اعلام نمود که "دولتها باید ملاحظات زیست محیطی را در هنگام ارزیابی ضروری و متناسب بودن دستیابی به اهداف نظامی مشروع در نظر گیرند."^{۷۱} همچنین طرف‌های یک درگیری موظفند همه اقدامات احتیاطی ممکن را در هدایت مخاصمات اتخاذ کرده تا مانع ورود خسارات جانبی به محیط زیست شده یا آن را به حداقل برسانند. نبود قطعیت علی‌الخصوص در مورد تاثیرات محیطی برخی از عملیات نظامی، آن طرف درگیری را از مسوولیت اتخاذ تدابیر احتیاطی مبرا نمی‌کند.^{۷۲}

همچنین مواردی وجود دارند که پروتکل‌های الحاقی بدان نپرداخته‌اند برای نمونه در پروتکل‌های الحاقی هیچ قاعده خاصی در مورد حمایت از افراد و اموال مورد استفاده در عملیات حفظ صلح وجود ندارد. اما در عمل چنین اموال و اهدافی از حمایت‌های مقرر برای غیرنظامیان و اموال غیرنظامی در برابر حمله برخوردار می‌شوند، در نتیجه قاعده ممنوعیت حمله به افراد و اموال درگیر در عملیات حفظ صلح مطابق با منشور ملل متحد، تا زمانی که از حمایت‌های مقرر برای اموال و افراد غیرنظامی تحت حقوق بین‌المللی بشردوستانه برخوردار هستند، در رویه دولتها تحول یافته و در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری درج شده است. این قاعده هم اکنون بخشی از حقوق بین‌المللی عرفی قابل اعمال بر هرگونه درگیری مسلحانه است.^{۷۳}

شماری از مسائل مرتبط با هدایت مخاصمات در مقررات لاهه تنظیم شده‌اند. این مقررات برای مدتها به عنوان قوانین عرفی قابل اعمال بر درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی تلقی می‌شدند.^{۷۴} اما امروزه برخی از این قواعد، به عنوان عرف درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی مورد پذیرش قرار گرفته‌اند؛ برای نمونه قاعده بسیار قدیمی حقوق بین‌المللی عرفی که (۱) نابودی یا تصرف اموال طرف مقابل را مگر در مواردیکه ضرورت نظامی اقتضا دارد و (۲) غارت را ممنوع می‌دارد بر درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی نیز اعمال می‌شود. غارت، تصاحب اموال خصوصی اتباع دشمن با توسل به زور

⁷¹ - International Court of Justice, *Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons*, op. cit. (note 8), § 30.

⁷² - See Customary International Humanitarian Law, op. cit. (note 4), Vol. I, Rule 44.

⁷³ - Ibid., Rule 33.

⁷⁴ - See, e.g., International Military Tribunal at Nuremberg, *Case of the Major War Criminals*, Judgment, 1 October 1946, Official Documents, Vol. I, pp. 253-254.

برای اهداف خصوصی یا شخصی است.^{۷۵} این دو ممنوعیت، بر رویه عرفی تصرف تسلیحات جنگی متعلق به طرف مقابل به عنوان غنیمت جنگی تاثیر نمی گذارد.

بر اساس حقوق بین‌المللی عرفی فرماندهان می‌توانند با استفاده از هرگونه وسیله ارتباطی، با دشمن ارتباط غیر خصمانه برقرار کنند اما چنین تماسی باید با حسن نیت باشد. رویه‌ها نشان می‌دهد که این ارتباط ممکن است با میانجیگری افرادی به عنوان فرستاده (Parlementaires) یا سایر روش‌ها همچون تلفن و رادیو باشد. فرستاده فرد متعلق به طرف درگیری است که اجازه ارتباط با طرف دیگر درگیری به وی داده شده و در نتیجه مصونیت دارد. روش سنتی معرفی خود به عنوان فرستاده از طریق برافراشتن پرچم سفید در حین پیشروی، همچنان معتبر است. به علاوه توسل طرفهای درگیری به شخص سومی برای تسهیل ارتباط همچون دولت حامی یا یک سازمان بشردوستانه بی‌طرف و بی‌غرض به عنوان جایگزین آن به ویژه کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ و همچنین یک سازمان بین‌المللی یا نیروهای حافظ صلح، رویه‌ای شناخته شده است. رویه‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که نهادها و سازمان‌های مختلفی به عنوان میانجی در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی ایفاء نقش کرده‌اند و این امر از سوی عموم پذیرفته شده است. قواعد حاکم بر فرستاده به مقررات لاهه بازگشته و برای مدتها به عنوان قاعده عرفی درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی شناخته شده بود. بر مبنای رویه ۱۵۰ سال اخیر و حتی بیشتر، این قواعد بخشی از عرف قابل اعمال بر درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی نیز می‌باشند.^{۷۶}

رویه‌ها بیانگر وجود دودسته مقررات برای حمایت از اموال فرهنگی است. یک دسته به مقررات لاهه بازگشته و مقرر می‌دارند در عملیات نظامی باید احتیاط ویژه‌ای برای جلوگیری از خسارت به ساختمان‌های دینی، هنری، علمی، آموزشی یا خیرخواهانه و بناهای تاریخی به عمل آید مگر آنکه این بناها، هدف نظامی باشند. تصرف یا نابودی یا خسارت عمدی به این اماکن نیز ممنوع است. درحالیکه این قواعد از مدت‌ها پیش به عنوان قوانین عرفی درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی تلقی می‌شد، هم اکنون به عنوان عرف قابل اعمال در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی پذیرفته شده‌اند.

دسته دوم بر مبنای مقررات خاص کنوانسیون ۱۹۵۴ حمایت از اموال فرهنگی بنا شده است که از اموالی که برای میراث فرهنگی همه مردم، بسیار با اهمیت است حمایت کرده و نشان‌های مشخصه خاصی برای شناسایی چنین اموالی معرفی می‌کند. امروزه حقوق عرفی مقرر می‌دارد چنین اموالی نباید مورد حمله قرار گرفته و برای اهدافی که ممکن است آنها را در معرض نابودی یا ورود خسارت قرار دهد، استفاده شوند مگر آنکه ضرورت نظامی به طور قطعی چنین امری را لازم بدارد. همچنین هرگونه

۷۵- به عناصر جنایات دیوان بین‌المللی کیفری، غارت به عنوان جنایت جنگی نگاه کنید، جزء ۱۴ از شق ب و جزء ۵ شق ه بند ۲ ماده ۸

76 - See Customary International Humanitarian Law, op. cit. (note 4), Vol. I, Rules 67-69.

سرقت، غارت یا سوءاستفاده و هرگونه تخریب چنین اموالی ممنوع است. این ممنوعیت‌ها مطابق مقررات کنوانسیون لاهه بوده و شاهدهی بر تاثیر این کنوانسیون بر رویه دولتها درخصوص حمایت از اموال فرهنگی مهم می‌باشد.

سلاح‌ها

قواعد کلی ناظر بر ممنوعیت استفاده از سلاح‌هایی که می‌توانند لطمات بیش از حد یا درد و رنج بیهوده وارد کرده و سلاح‌هایی که به دلیل ماهیتشان بدون تفکیک عمل می‌کنند، بخشی از عرف هرگونه درگیری مسلحانه است. به‌علاوه و عموماً^{۷۷} بر مبنای این اصول، رویه دولتها بکارگیری (با نوع خاصی از بکارگیری) شماری از سلاح‌ها را در حقوق بین‌المللی عرفی ممنوع کرده‌است: سم یا سلاح‌های سمی؛ سلاح‌های بیولوژیک؛ سلاح‌های شیمیایی؛ استفاده از عوامل کنترل از راه دور به‌عنوان روش جنگی؛ علف‌کش‌ها به‌عنوان روش جنگی؛^{۷۷} گلوله‌هایی که به راحتی در بدن انسان منبسط یا گسترده می‌شوند؛ استفاده از گلوله‌های که در بدن انسان منفجر می‌شود؛ سلاح‌هایی که تاثیر اولیه آن ایراد جراحات با قطعاتی است که با اشعه ایکس در بدن انسان قابل ردیابی نیستند؛ تله‌های انفجاری که با اموال یا افرادی که تحت حقوق بین‌المللی بشردوستانه مورد حمایت خاص هستند یا ممکن است غیرنظامیان را به خود جلب کند، به‌گونه‌ای مرتبط باشند و سلاح‌های لیزری که مخصوصاً به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که تنها کارکرد یا یکی از کارکردهای جنگی آن ایجاد نابینایی دائمی یا کاهش دید می‌باشد.

با این حال سلاح‌هایی که به این شکل در حقوق عرفی ممنوع نشده‌اند، مشمول محدودیت‌هایی می‌شوند. برای نمونه این مساله در مورد مین‌های زمینی و سلاح‌های آتش‌زا مصداق دارد.

احتیاط خاصی باید برای به حداقل رساندن تاثیرات بدون تفکیک مین‌های زمینی به‌عمل آید این اقدامات برای نمونه عبارتند از اصلی که یک طرف درگیری که از مین‌های زمینی استفاده می‌کند باید نقشه محل مین‌ها را تا حد امکان حفظ کند. همچنین یک طرف درگیری که از مین‌های زمینی استفاده کرده باید در پایان مخاصمات فعال، یا مناطق مین‌گذاری را پاکسازی کرده یا به نحوی خطر آنها را برای غیرنظامیان از میان برده یا پاکسازی آنها را تسهیل کند.

با بیش از ۱۴۰ سند تصویب کنوانسیون اتاوا و تصویب‌های بیشتری که در حال انجام است، اکثر دولتها بر مبنای این معاهده موظف هستند از استفاده، تولید، انباشت و انتقال مین‌های ضدنفر

۷۷- این قاعده به‌شمار دیگری از قواعد حقوق بین‌المللی عرفی اشاره دارد: ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی؛ ممنوعیت حمله به پوشش طبیعی که هدف نظامی نباشد؛ ممنوعیت حمله‌ای که باعث کشته شدن غیرنظامیان، صدمه به غیرنظامیان و خسارت به اموال غیرنظامی یا مجموع آن شود و مزیت نظامی دقیق و مستقیم پیش‌بینی شده، بسیار فراتر باشد و ممنوعیت خسارت گسترده، طولانی مدت و شدید بر محیط زیست. *ibid.*, Rule 76.

خودداری کنند. با وجود آنکه این ممنوعیت در حال حاضر به دلیل وجود رویه های مغایر دولتهای غیرعضو، بخشی از حقوق بین المللی عرفی نیست، اما تقریباً همه دولتها از جمله دولتهایی که عضو کنوانسیون اتاوا نبوده و طرفدار ممنوعیت های فوری آن نیستند، ضرورت اقدام در جهت از میان بردن تدریجی مین های زمینی ضدنفر را پذیرفته اند.

به کارگیری سلاح های آتشزا علیه افراد نیز ممنوع است مگر آنکه امکان استفاده از سلاحی دیگر با مضرات کمتر برای خارج کردن فرد از صحنه مبارزه ممکن نباشد. در صورت استفاده، باید دقت خاصی به منظور پیشگیری و در هر حال به حداقل رساندن خسارت فرعی به حیات غیرنظامیان، ایراد جراحات بر آنان و خسارت بر اموال غیرنظامی به عمل آید.

بیشتر این قواعد از مقرراتی نشأت گرفته که اساساً بر درگیری های مسلحانه بین المللی اعمال می شوند. این روند تدریجاً تغییر کرد، برای نمونه می توان به اصلاحیه پروتکل دوم کنوانسیون برخی سلاح های متعارف در سال ۱۹۹۶ که بر درگیری های مسلحانه غیربین المللی نیز اعمال می شود و آخرین مورد، اصلاح کنوانسیون برخی سلاح های متعارف در سال ۲۰۰۱ به منظور افزایش دامنه اعمال پروتکل های ۴-۱ بر درگیری های مسلحانه غیربین المللی، اشاره کرد. ممنوعیت ها و محدودیت های عرفی مورد اشاره، در هر گونه درگیری مسلحانه ای اعمال می شوند.

هنگامی که کمیته ی بین المللی صلیب سرخ از وظیفه خود در خصوص انجام تحقیق بر حقوق بین المللی بشردوستانه عرفی آگاه شد، دیوان بین المللی دادگستری مساله مشروعیت تهدید یا توسل به سلاح های هسته ای را در پی درخواست مجمع عمومی سازمان ملل برای صدور نظر مشورتی، در دست داشت. در نتیجه، کمیته ی بین المللی صلیب سرخ تصمیم گرفت بر تحلیل خود از این مساله تکیه نکند. دیوان بین المللی دادگستری در نظر مشورتی خود به اتفاق آرا اعلام کرد "تهدید یا توسل به سلاح های هسته ای همچنین باید با مقتضیات حقوق بین المللی قابل اعمال بر درگیری های مسلحانه به ویژه اصول و قواعد حقوق بین المللی بشردوستانه مطابق باشد."^{۷۸} این یافته با در نظر گرفتن این مساله که شماری از دولت ها بر این اعتقاد بودند که با توجه به مذاکرات راجع به تصویب پروتکل اول الحاقی، پروتکل بر استفاده از سلاح های هسته ای اعمال نمی شود، بسیار مهم است. اما نظر دیوان بدان معنا است که قواعد ناظر بر هدایت مخاصمات و اصول کلی حاکم بر استفاده از سلاح ها بر استفاده از سلاح های هسته ای اعمال می شود. دیوان در اجرای این اصول و قوانین نتیجه می گیرد که "تهدید یا استفاده از سلاح های

⁷⁸-International Court of Justice, *Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons*, op. cit. (note 8), p. 226.

هسته‌ای به طور کلی مغایر با قواعد حقوق بین‌المللی قابل اعمال بر درگیری‌های مسلحانه و به‌ویژه اصول و قواعد حقوق بشر دوستانه است.^{۷۹}

تضمینات بنیادین

تضمینات بنیادین بر همه غیرنظامیانی که در اختیار یک طرف درگیری قرار دارند و همه کسانی که در مخاصمات شرکت فعال نداشته یا به شرکت خود خاتمه داده اند، همچنین بر همه افرادی که سلاح خود را بر زمین گذاشتند، اعمال می‌شود. تضمینات بنیادین در این پژوهش به دلیل آنکه از قواعد جامعی بوده که بر همه افراد اعمال می‌شوند، به قواعد خاص مرتبط با گروه‌های مختلف تقسیم نشده‌اند. همه تضمینات بنیادین دارای جایگاه مستحکمی در حقوق بین‌المللی بشر دوستانه قابل اعمال بر درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی هستند. در این تحقیق اکثر قواعد ناظر بر تضمینات بنیادین به زبان سنتی حقوق بشر دوستانه بیان شدند تا به بهترین نحو ماهیت قاعده عرفی مرتبط، بیان شود.^{۸۰} با این حال پیش‌نویس برخی قواعد بگونه‌ای تنظیم شده که حاوی مفاد مهم قواعد مفصل یک موضوع خاص باشد به ویژه قواعد ناظر بر ممنوعیت کار اجباری بدون حقوق یا استثمار، ناپدیدشدگی اجباری و بازداشت خودسرانه و قواعد ناظر بر احترام به زندگی خانوادگی.^{۸۱}

در موارد ممکن، رویه‌های مرتبط با نظام بین‌المللی حقوق بشر در این تحقیق و به ویژه فصل تضمینات بنیادین گنجانده شدند. این امر به این دلیل انجام شد که نظام بین‌المللی حقوق بشر در طول درگیری‌های مسلحانه به صراحت معاهدات حقوق بشری اعمال می‌شوند، اگرچه برخی از مقررات آن ممکن است تحت شرایط خاصی در زمان حالت اضطراری به حالت تعلیق درآیند. تداوم اعمال قواعد حقوق بشر در طول درگیری‌های مسلحانه در موارد مختلف توسط رویه‌های دولتها، ارکان حقوق بشری و دیوان بین‌المللی دادگستری تایید شده است.^{۸۲} دیوان اخیراً در رای مشورتی خود در پیامدهای حقوقی ساخت دیوار در سرزمین‌های اشغالی فلسطین تاکید کرد که "حمایتهای اعطا شده از سوی

⁷⁹ - Ibid.; see also United Nations General Assembly, 51st session, First Committee, Statement by the International Committee of the Red Cross, UN Doc. A/C.1/51/PV.8, 18 October 1996, p. 10, reproduced in International Review of the Red Cross, No. 316, 1997, pp. 118-119

به نظر کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ تصور مطابق بودن بکارگیری سلاح هسته‌ای با قواعد حقوق بین‌المللی مشکل است.

⁸⁰ - این قواعد شامل تضمینات بنیادینی است که با غیرنظامیان و افرادی که سلاح خود را به زمین گذاشته‌اند، به طور انسانی و بدون تبعیض ناروا رفتار شود؛ ممنوعیت قتل؛ ممنوعیت شکنجه، رفتار خشن یا غیرانسانی و تجاوز به کرامت افراد، به‌ویژه رفتار موهن و تحقیرآمیز؛ ممنوعیت مجازات بدنی؛ ممنوعیت مثله کردن، آزمایش‌های پزشکی یا علمی؛ ممنوعیت تجاوز و سایر اشکال خشونت‌های جنسی؛ ممنوعیت برده داری و تجارت برده در همه اشکال آن؛ ممنوعیت گروگان‌گیری؛ ممنوعیت استفاده از سپر انسانی؛ تضمینات دادرسی منصفانه؛ ممنوعیت مجازات دسته جمعی و لزوم احترام به اعتقادات و مناسک مذهبی غیرنظامیان و افرادی که سلاح خود را به زمین گذاشته‌اند.

⁸¹ - Ibid., Rules 95, 98-99 and 105.

⁸² - See *ibid.*, Introduction to Chapter 32, Fundamental Guarantees.

کنوانسیون‌های حقوق بشری در زمان درگیری‌های مسلحانه متوقف نمی‌شوند" و با وجود آنکه برخی حقوق صرفاً "موضوع حقوق بین‌المللی بشردوستانه یا قواعد حقوق بشر می‌باشند، قواعدی وجود دارند که "موضوع هر دو شاخه حقوق بین‌المللی هستند."^{۸۳} با این حال، در این پژوهش قواعد بین‌المللی حقوق بشر ارزیابی نمی‌شوند. در عوض رویه‌های ناشی از قواعد حقوق بشر به منظور حمایت، تقویت و تبیین اصول مشابه حقوق بین‌المللی بشردوستانه گنجانده شدند.

اجرا

شماری از قواعد ناظر بر اجرای حقوق بین‌المللی بشردوستانه نیز به صورت حقوق بین‌المللی عرفی درآمده‌است. علی‌الخصوص هر یک از طرف‌های درگیری باید از طریق نیروهای مسلح و سایر افراد و گروههایی که تحت فرمان یا کنترل آن فعالیت می‌کنند، حقوق بین‌المللی بشردوستانه را رعایت کرده و رعایت آن را تضمین کنند. در نتیجه هر یک از طرف‌های درگیری از جمله گروه‌های مسلح مخالف باید دستورالعمل‌هایی درخصوص اجرای حقوق بین‌المللی بشردوستانه در اختیار نیروهای مسلح خود قرار دهند. در ورای چنین تکالیف کلی، سایر مکانیسم‌های اجرایی که برای دولت‌ها و همچنین گروه‌های مسلح مخالف الزام‌آور باشد، مشخص نیستند؛ برای نمونه تکلیف صدور دستور و فرامین به نیروهای مسلح به منظور تضمین رعایت حقوق بین‌المللی بشردوستانه، در حقوق بین‌المللی صراحتاً "برای دولت‌ها مقرر شده نه برای گروه‌های مسلح مخالف. به‌طور مشابه تکلیف دولت‌ها برای داشتن مشاوران حقوقی در مواقع ضروری برای ارائه مشاوره به فرماندهان نظامی در سطوح مناسب در خصوص اجرای حقوق بین‌المللی بشردوستانه وجود دارد اما نه برای گروه‌های مسلح مخالف.

به‌علاوه یک دولت مسوول نقض‌هایی از حقوق بین‌المللی بشردوستانه است که به آن نسبت داده شده و ملزم به دادن غرامت کامل ناشی از لطمه یا صدمه ناشی از چنین نقضی است. مشخص نیست که آیا گروه‌های مسلح مخالف دارای مسوولیت مشابهی برای نقض‌های ارتكابی از سوی اعضایشان هستند یا خیر و نتایج چنین مسوولیتی چه می‌باشد. همانگونه که در پیش گفته‌شد، گروه‌های مسلح مخالف باید حقوق بین‌المللی بشردوستانه را رعایت کرده و باید تحت نظر "فرمانده مسوول" عمل کنند.^{۸۴} در نتیجه می‌توان استدلال کرد که گروه‌های مسلح مخالف نیز برای اقدامات افراد عضو آن گروه، مسوول می‌باشند اما پیامدهای چنین مسوولیتی مشخص نیست. به ویژه هنگامیکه در بسیاری از کشورها قربانیان می‌توانند با طرح دعوای حقوقی برای جبران خسارات علیه مهاجم اقدام کنند، مشخص نیست تا چه حد گروه‌های مسلح مخالف مکلف به جبران خسارت کامل هستند.

⁸³ - International Court of Justice, Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, 9 July 2004, § 106.

۸۴- بند ۱ ماده ۱ پروتکل الحاقی دوم.

در خصوص مسوولیت فردی، حقوق بین‌المللی بشردوستانه همه افرادی را که مرتکب جنایات جنگی شده یا دستور ارتکاب آن را صادر کرده یا بگونه‌ای به عنوان فرمانده یا مافوق مسوول ارتکاب چنین جرایمی هستند، از لحاظ کیفی مسوول می‌داند. اجرای نظام جنایات جنگی یعنی تحقیق در خصوص جنایت جنگی و تعقیب متهمان، تکلیف مقرر برای همه دولتهاست. دولتها می‌توانند با تاسیس محاکم بین‌المللی یا مختلط برای نیل به این هدف، تکلیف خود را انجام دهند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش درصدد تعیین ماهیت عرفی هریک از قواعد حقوق بین‌المللی بشردوستانه برنیامده بلکه در پی آن است که با تحلیل مسائل، مشخص کند چه قواعد حقوق بین‌المللی عرفی را می‌توان از رویه‌ی دولتها استنتاج کرد. مطالعه مختصر برخی از یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که اصول و قواعد مقرر در حقوق عرفی در رویه دولتها به طور گسترده پذیرفته شده و بر شکل‌گیری حقوق بین‌المللی عرفی تاثیر بسیاری گذاشته‌است. بسیاری از این اصول و قواعد هم اکنون بخشی از حقوق بین‌المللی عرفی هستند و در نتیجه برای همه دولتها صرفنظر از تصویب آن معاهدات و همچنین گروههای مسلح مخالف، در خصوص قواعد قابل اعمال بر همه طرفهای درگیری مسلحانه غیربین‌المللی، لازم الاجراست.

همچنین این پژوهش نشان می‌دهد که بسیاری از قواعد حقوق بین‌المللی عرفی هم در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و هم غیربین‌المللی اعمال شده و مواردی را که رویه دولتها از حقوق معاهداتی موجود فراتر رفته‌اند، نشان داده و قواعد قابل اعمال بر درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی را توسعه می‌دهد. در نتیجه مقررات ناظر بر هدایت مخاصمات و رفتار با افراد در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی نسبت به آنچه در حقوق معاهداتی وجود دارد، مفصل‌تر و کامل‌تر شده‌اند. با این حال این مساله که دقیق‌تر و کامل‌تر شدن مقررات از دیدگاه نظامی و بشردوستانه کفایت می‌کند و یا نیازمند تحول بیشتر در مقررات است، باید در آینده روشن شود.

اجرای موثر مقررات حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی، همانند حقوق معاهداتی، به ترویج، آموزش و الزام بستگی دارد. این قواعد باید در دستورالعمل‌های نظامی و قوانین داخلی، در مواردی که هنوز درج نشده‌اند، گنجانده شوند.

همچنین این پژوهش، موارد ابهام مقررات و برخی نکاتی را که نیازمند تبیین بیشتری است، همچون تعریف غیرنظامیان در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی، مفهوم مشارکت مستقیم در مخاصمات و محدوده و اجرای اصل تناسب، مشخص می‌کند.

در پرتو دستاوردهای حاضر و کارهایی که باید انجام شود، این تحقیق را نباید پایان کار دانست بلکه آغازی است بر تفاهم و توافق هرچه بیشتر بر اصول و قواعد حقوق بین‌المللی بشردوستانه. در این راستا، این پژوهش می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای بحث و گفت‌وگو در خصوص اجرا، تبیین و توسعه قوانین تلقی شود.

ضمیمه: فهرست قواعد عرفی حقوق بین‌المللی بشردوستانه

این فهرست بر مبنای نتایج جلد اول پژوهشی بر حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی تنظیم شده است. از آنجا که در این تحقیق به ماهیت عرفی هر یک از قواعد معاهداتی حقوق بین‌المللی عرفی پرداخته نشده لزوماً از ساختار معاهدات موجود تبعیت نمی‌کند. محدوده اجرای قواعد در داخل پراتنز بیان شده است. حروف اختصاری *IAC* به قواعد عرفی قابل اعمال بر درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و حروف اختصاری *NIAC* به قواعد عرفی قابل اعمال بر درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی اشاره دارد. در مورد اخیر اعمال برخی قواعد، "مورد بحث" است چرا که رویه عمومی در جهت تایید آن است، اما گستردگی لازم را ندارد.⁸⁵

اصل تفکیک

⁸⁵ IAC: International Armed Conflict
NIAC: Non-International Armed Conflict

تفکیک میان غیرنظامیان و رزمندگان

- قاعده ۱- طرف‌های درگیری باید در هر زمانی میان غیرنظامیان و رزمندگان تفکیک قائل شوند. حمله صرفاً می‌تواند علیه رزمندگان باشد. حمله نباید علیه غیرنظامیان صورت گیرد. (IAC/NIAC)
- قاعده ۲- اقدامات یا تهدیدهای خشونت‌آمیزی که هدف اولیه آن گسترش ترس در میان جمعیت غیرنظامی باشد، ممنوع است. (IAC/NIAC)
- قاعده ۳- همه اعضای نیروهای مسلح یک طرف درگیری رزمنده هستند به جز کارکنان پزشکی و مذهبی. (IAC)
- قاعده ۴- نیروهای مسلح یک طرف درگیری شامل همه نیروهای مسلح سازمان‌یافته، گروه‌ها و واحدهایی می‌گردد که تحت نظر فرمانده‌ای هستند که در مقابل آن طرف درگیری برای اعمال زیر دستان خود مسوول می‌باشد. (IAC)
- قاعده ۵- غیرنظامیان افرادی هستند که عضو نیروهای مسلح نمی‌باشند. جمعیت غیرنظامی شامل همه افرادی می‌گردد که غیرنظامی هستند. (IAC/NIAC)
- قاعده ۶- غیرنظامیان در مقابل حمله حمایت می‌شوند مگر و تا زمانی که در درگیریها مشارکت مستقیم داشته باشند. (IAC/NIAC)

تفکیک میان اموال غیرنظامی و اهداف نظامی

- قاعده ۷- طرف‌های درگیری باید در هر زمانی میان اموال غیرنظامی و اهداف نظامی تفکیک قائل شوند. حمله صرفاً می‌تواند علیه اهداف نظامی صورت گیرد. حمله نباید علیه اموال غیرنظامی باشد. (IAC/NIAC)
- قاعده ۸- در خصوص اموال، اهداف نظامی آن دسته از اموالی هستند که به دلیل ماهیت، موقعیت، هدف یا نوع استفاده از آن مشارکت موثری در عملیات نظامی داشته و نابودی جزئی یا کلی، تصرف یا خلع سلاح آن در شرایط حاکم بر زمان، مزیت نظامی قطعی در برداشته باشد. (IAC/NIAC)
- قاعده ۹- اموال غیرنظامی، همه اموالی است که هدف نظامی نباشد. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۰- اموال غیرنظامی در مقابل حمله حمایت می‌شوند مگر و تازمانیکه هدف نظامی باشند.
(IAC/NIAC)

حمله کورکورانه (بدون تفکیک)

قاعده ۱۱- حمله بدون تفکیک ممنوع است. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۲- حمله بدون تفکیک حمله‌ای است که:

الف- به سمت هدف نظامی خاصی هدف‌گیری نشده باشد؛

ب- با استفاده از روش‌ها یا ابزارهای جنگی باشد که نمی‌تواند به سمت هدف نظامی خاص هدف‌گیری کند و

ج- با استفاده از روش‌ها یا ابزارهای جنگی باشد که تأثیرات آن را به نحوی که حقوق بین‌المللی بشردوستانه مقرر می‌دارد، نمی‌توان محدود کرد؛

و در نتیجه در چنین مواردی، از چنان ماهیتی برخوردارند که به اهداف نظامی و غیرنظامیان یا اموال غیرنظامی بدون تفکیک برخورد می‌کنند. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۳- حمله از طریق بمباران یا هر روش یا ابزاری که تعدادی از اهداف نظامی کاملاً مجزا و با فاصله از یکدیگر را که در یک شهر، روستا یا ده یا سایر مناطق تمرکز غیرنظامیان یا اموال غیرنظامی قرار دارند، به عنوان یک هدف نظامی در نظر می‌گیرد، ممنوع است. (IAC/NIAC)

تناسب در حمله

قاعده ۱۴- آغاز به حمله‌ای که انتظار می‌رود منجر به تلفات غیرنظامیان، صدمه به غیرنظامیان، ایراد خسارت به اموال غیرنظامی یا مجموع آن شده و از مزیت نظامی دقیق و مستقیم پیش‌بینی شده، بیشتر باشد، ممنوع است. (IAC/NIAC)

اقدامات احتیاطی در حمله

قاعده ۱۵- در هدایت عملیات نظامی دقت ویژه‌ای برای جدا کردن جمعیت غیرنظامی، غیرنظامیان و اموال غیرنظامی باید به عمل آید. همه اقدامات احتیاطی قابل پیش‌بینی به منظور اجتناب و در هر شرایطی به حداقل رساندن تلفات جانبی غیرنظامیان، صدمه به غیرنظامیان و ایراد خسارت به اموال غیرنظامی باید اتخاذ شوند. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۶- هر یک از طرف‌های درگیری باید هرگونه اقدام ممکن را برای اطمینان از نظامی بودن هدف انجام دهد. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۷- هر یک از طرف‌های درگیری باید هرگونه اقدام احتیاطی ممکن را در گزینش ابزارها و روش‌های جنگی به منظور اجتناب و در هر شرایطی به حداقل رساندن تلفات جانبی غیرنظامیان، صدمه به غیرنظامیان و ایراد خسارت به اموال غیرنظامی به عمل آورند. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۸- هر یک از طرف‌های درگیری باید هر اقدام ممکن را برای ارزیابی اینکه حمله ممکن است منجر به تلفات جانبی غیرنظامیان، صدمه به غیرنظامیان یا ایراد خسارت به اموال غیرنظامی یا مجموع آنها شود که از مزیت نظامی مستقیم و دقیق مورد انتظار بیشتر باشد، به عمل آورد. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۹- هر یک از طرف‌های درگیری باید هر اقدام ممکن را برای توقف یا تعویق حمله‌ای که مشخص شده هدف آن، جزء اهداف نظامی نبوده یا انتظار می‌رود آن حمله منجر به تلفات غیرنظامیان، صدمه غیرنظامیان، ایراد خسارت بر اموال غیرنظامی یا مجموع آن شده و از مزیت نظامی و مستقیم و دقیق مورد انتظار فراتر باشد، به عمل آورد. (IAC/NIAC)

قاعده ۲۰- هر یک از طرف‌های درگیری باید هشدار موثری پیش از حمله‌ای که بر جمعیت غیرنظامی اثر می‌گذارد، بدهد مگر آنکه شرایط چنین اقتضا نکند. (IAC/NIAC)

قاعده ۲۱- زمانی که امکان گزینش میان چند هدف نظامی برای دستیابی به یک مزیت نظامی مشابه ممکن باشد، هدف انتخاب شده باید هدفی باشد که حمله به آن کمترین خطر را برای حیات غیرنظامیان و اموال غیرنظامی داشته باشد. (مورد بحث است IAC/NIAC)

اقدامات احتیاطی در مقابل تاثیرات حمله

قاعده ۲۲- طرف‌های درگیری باید کلیه اقدامات احتیاطی قابل پیش‌بینی را برای حفاظت از جمعیت غیرنظامی و اموال غیرنظامی تحت اختیار خود در مقابل تاثیرات حمله، انجام دهند. (IAC/NIAC)

قاعده ۲۳- هر یک از طرف‌های درگیری باید در حد امکان از قرارداد اهداف نظامی در درون یا در کنار مناطق شدیداً پرجمعیت خودداری کنند. (مورد بحث است IAC/NIAC)

قاعده ۲۴- هر یک از طرف‌های درگیری باید تا حد امکان افراد و اموال غیرنظامی تحت کنترل خود را از محدوده اهداف غیرنظامی خارج کنند. (مورد بحث است IAC/NIAC)

افراد و اموال مورد حمایت خاص کارکنان و اموال پزشکی و مذهبی

قاعده ۲۵- کارکنان پزشکی که منحصرًا به وظایف پزشکی گمارده می‌شوند باید در هر شرایطی مورد احترام و حمایت قرار گیرند. این افراد در صورتیکه مرتکب عملی خارج از وظایف بشردوستانه‌شان شوند، اقداماتی که ضرری متوجه دشمن می‌کند، حمایت خود را از دست می‌دهند. (IAC/NIAC)

قاعده ۲۶- مجازات یک فرد به دلیل انجام وظایف پزشکی که مطابق با اصول اخلاقی پزشکی بوده یا اجبار فردی که در اقدامات پزشکی دخیل است به انجام اعمال مغایر با اصول اخلاقی پزشکی، ممنوع است. (IAC/NIAC)

قاعده ۲۷- کارکنان مذهبی که منحصرًا به انجام وظایف مذهبی گمارده شده‌اند باید در هر شرایطی مورد احترام و حمایت قرار گیرند. این افراد در صورتیکه مرتکب عملی خارج از وظایف بشردوستانه‌شان شوند، اقداماتی که ضرری متوجه دشمن می‌کند، حمایت خود را از دست می‌دهند. (IAC/NIAC)

قاعده ۲۸- واحدهای پزشکی که منحصرًا به وظایف پزشکی گمارده می‌شوند باید در هر شرایطی مورد احترام و حمایت قرار گیرند. این واحدها در صورتیکه خارج از وظایف بشردوستانه‌شان به کار گرفته‌شوند، برای ارتکاب اقداماتی که ضرری متوجه دشمن می‌کند، حمایت خود را از دست می‌دهند. (IAC/NIAC)

قاعده ۲۹- وسایل حمل و نقل پزشکی که منحصرًا به حمل و نقل پزشکی می‌پردازند، باید در هر شرایطی مورد احترام و حمایت قرار گیرند. این وسایل در صورتیکه خارج از وظایف بشردوستانه‌شان به کار گرفته‌شوند، برای ارتکاب اقداماتی که ضرری متوجه دشمن می‌کند، حمایت خود را از دست می‌دهند. (IAC/NIAC)

کارکنان و اموال کمک‌های بشردوستانه

قاعده ۳۱- کارکنان کمک‌های بشردوستانه باید مورد احترام و حمایت قرار گیرند. (IAC/NIAC)

قاعده ۳۲- اموال مورد استفاده در عملیات امدادی بشردوستانه باید مورد احترام و حمایت قرار گیرند. (IAC/NIAC)

قاعده ۳۳- اقدام به حمله علیه کارکنان و اموال درگیر در عملیات حفظ صلح مطابق با منشور سازمان ملل، تا زمانیکه از حمایت‌های اعطا شده به غیرنظامیان و اموال غیرنظامی براساس حقوق بین‌المللی بشردوستانه برخوردار می‌شوند، ممنوع است. (IAC/NIAC)

خبرنگاران

قاعده ۳۴- خبرنگاران غیرنظامی در طی انجام ماموریت‌های حرفه‌ای در مناطق شاهد درگیری مسلحانه، تا زمانیکه در مخاصمات شرکت مستقیم ندارند، باید مورد احترام و حمایت قرار گیرند. (IAC/NIAC)

مناطق مورد حمایت

قاعده ۳۵- اقدام به حمله علیه مناطقی که به عنوان پناهگاه مجروحان، بیماران و غیرنظامیان از تاثیرات درگیری‌ها ایجاد شده، ممنوع است. (IAC/NIAC)

قاعده ۳۶- اقدام به حمله علیه مناطق غیرنظامی شده بر اساس توافق طرف‌های درگیری، ممنوع است. (IAC/NIAC)

قاعده ۳۷- اقدام به حمله علیه اماکن بی‌دفاع ممنوع است. (IAC/NIAC)

اموال فرهنگی

قاعده ۳۸- هر یک از طرف‌های درگیری باید به اموال فرهنگی احترام گذارند:

الف- احتیاط ویژه‌ای در عملیات نظامی اتخاذ شود تا از ورود خسارت به بناهایی با ماهیت مذهبی، هنری، علمی، آموزشی یا مختص به اهداف خیرخواهانه و بناهای تاریخی جلوگیری شود مگر آنکه این بناها، اهداف نظامی باشند.

ب- اموال دارای اهمیت مهم برای میراث فرهنگی بشریت نباید هدف حمله قرار گیرند مگر آنکه به دلیل ضرورت نظامی، اقدام به حمله ضروری باشد.

(IAC/NIAC)

قاعده ۳۹- استفاده از اموال دارای اهمیت مهم برای میراث فرهنگی بشریت برای مقاصدی که احتمال دارد این اموال را در معرض نابودی یا خسارت قرار دهد، ممنوع است مگر آنکه ضرورت قطعی نظامی آن را ضروری بدارد. (IAC/NIAC)

قاعده ۴۰- هر یک از طرف‌های درگیری باید اموال فرهنگی را مورد حمایت قرار دهند:

الف- هرگونه تصرف یا نابودی یا ایراد خسارت عمومی به نهادهایی با ماهیت مذهبی، خیرخواهانه، آموزشی، هنری و علمی، بناهای تاریخی و کارهای علمی و هنری ممنوع است.

ب- هرگونه دزدی، غارت یا سوءاستفاده و هرگونه خرابکاری اموال دارای اهمیت مهم برای میراث فرهنگی بشریت، ممنوع است. (IAC/NIAC)

قاعده ۴۱- دولت اشغالگر باید از صادرات غیرقانونی اموال فرهنگی از سرزمین اشغالی جلوگیری کرده و اموالی را که به طور غیرقانونی خارج شده اند به مقامات صالح سرزمین اشغال شده تحویل دهد. (IAC)

فعالیتها و تاسیسات دارای انرژی خطرناک

ماده ۴۲- چنانچه به فعالیتها و تاسیسات دارای انرژی خطرناک یعنی سدها و پایگاههای تولید هسته‌ای برق و سایر تاسیسات داخل یا نزدیک آن، حمله شود باید مراقبت‌های ویژه‌ای اتخاذ شوند تا از آزاد شدن انرژی‌های خطرناک و ضررهای شدید پیامد آن در میان جمعیت غیرنظامی جلوگیری شود. (IAC/NIAC)

محیط زیست

ماده ۴۳- اصول کلی ناظر بر هدایت مخاصمات نسبت به محیط زیست عبارتند از:

الف- هیچ یک از بخش‌های محیط زیست نباید هدف حمله قرار گیرند مگر آنکه هدف نظامی باشند.

ب- نابود کردن هر بخشی از محیط زیست طبیعی ممنوع است مگر آنکه ضرورت قطعی نظامی آن را لازم بدارد.

ج- اقدام به حمله علیه هدف نظامی که انتظار می‌رود منجر به خسارات جانبی به محیط زیست شود که از مزیت نظامی قابل پیش‌بینی مستقیم و دقیق بسیار بیشتر باشد، ممنوع است. (IAC/NIAC)

قاعده ۴۴- روش‌ها و ابزارهای جنگی باید با توجه کامل به حمایت و حفظ محیط زیست به کار گرفته شوند. در هدایت عملیات نظامی باید همه اقدامات احتیاطی برای اجتناب و در هر حال به حداقل رساندن خسارات فرعی به محیط زیست اتخاذ شود. نبود اطمینان علمی در مورد تاثیرات زیست محیطی عملیات نظامی خاص، آن طرف درگیری را از اتخاذ چنان اقدامات احتیاطی مبرا نمی‌کند. (مورد بحث است IAC/NIAC)

قاعده ۴۵- استفاده از روش‌ها یا ابزارهای جنگی به قصد ایراد صدمه شدید، گسترده و طولانی مدت بر محیط زیست و یا هنگامی که انتظار رود چنین خسارتهایی وارد آید، ممنوع است. نابودی محیط زیست نمی‌تواند به عنوان یک سلاح مورد استفاده قرار گیرد. (مورد بحث است IAC/NIAC)

روش‌های خاص جنگی
امان ندادن

قاعده ۴۶- صدور فرمان مبنی بر اینکه به هیچ کس امان داده نمی‌شود، تهدید طرف مقابل بدین طریق یا هدایت درگیری‌ها بر این مبنای ممنوع است. (IAC/NIAC)

قاعده ۴۷- حمله به افرادی که خارج از جنگ شناخته می‌شوند، ممنوع است.
افراد خارج از جنگ عبارتند از:

الف - هر کسی که در اختیار قدرت دشمن قرار گیرد،

ب - هر کسی که به دلیل بیهوشی، کشتی شکستگی، جراحت یا بیماری قادر به دفاع نیست، یا

ج - هر کسی که آشکارا قصد خود را به تسلیم اعلام کرده باشد،

به شرط آنکه افراد مذکور از انجام هرگونه اقدام خصمانه و تلاش برای فرار خودداری کند.
(IAC/NIAC)

قاعده ۴۸- در ترس هدف حمله قرارداد چتربازانی که از هواپیما می‌پرنند، در طول فرود آنان ممنوع است. (IAC/NIAC)

نابودی و تصرف اموال

قاعده ۴۹- طرف‌های درگیری می‌توانند تجهیزات نظامی متعلق به طرف درگیری را به عنوان غنیمت جنگی تصاحب کنند. (IAC)

قاعده ۵۰- نابودی یا تصرف اموال طرف درگیری ممنوع است مگر آنکه به دلیل ضرورت قطعی نظامی، لازم باشد. (IAC/NIAC)

قاعده ۵۱- در سرزمین‌های اشغالی:

الف- اموال عمومی منقول را که برای عملیات نظامی نیز قابل استفاده باشند، می‌توان مصادره کرد؛

ب- اموال عمومی غیرمنقول باید بر طبق قواعد انتفاع از ملک، اداره شوند؛

ج- اموال خصوصی باید مورد احترام قرار گرفته، نباید مصادره شوند؛ مگر آنکه نابودی یا تصرف اموال مذکور به دلیل ضرورت قطعی نظامی لازم باشد. (IAC) قاعده ۵۲- غارت ممنوع است. (IAC/NIAC)

گرسنگی اجباری و دسترسی به کمکهای بشردوستانه
قاعده ۵۳- گرسنگی دادن به غیرنظامیان به عنوان یک روش جنگی ممنوع است. (IAC/NIAC)
قاعده ۵۴- اقدام به حمله، نابود کردن، خارج کردن یا غیرقابل استفاده کردن اموالی که برای حیات جمعیت غیرنظامی ضروری است، ممنوع می‌باشد. (IAC/NIAC)
قاعده ۵۵- طرفهای درگیری باید عبور سریع و بدون مانع کمکهای بشردوستانه برای جمعیت غیرنظامی نیازمند را که با ماهیتی بی‌غرض و بدون هیچ تبعیضی صورت می‌گیرد، با حفظ حق کنترل خود، اجازه داده و آن را تسهیل نمایند. (IAC/NIAC)
قاعده ۵۶- طرفهای درگیری باید آزادی حرکت پرسنل مجاز کمکهای بشردوستانه را که برای انجام وظایفشان ضروری است، تضمین کنند. تنها در صورت ضرورت قطعی نظامی می‌توان حرکت آنها را موقتاً محدود کرد. (IAC/NIAC)

اغفال

قاعده ۵۷- حیل‌های جنگی تا زمانی که به قاعده‌ای از حقوق بین‌المللی بشردوستانه تجاوز نکرده‌اند، ممنوع نمی‌باشند. (IAC/NIAC)
قاعده ۵۸- استفاده نادرست از پرچم سفید یا صلح ممنوع است. (IAC/NIAC)
قاعده ۵۹- استفاده نادرست از نشانهای حمایتی کنوانسیون‌های ژنو ممنوع است. (IAC/NIAC)
قاعده ۶۰- استفاده از نشان و یونیفرم سازمان ملل جز در موارد مجاز از سوی آن سازمان ممنوع است. (IAC/NIAC)
قاعده ۶۱- استفاده نادرست از سایر نشانهای شناخته شده بین‌المللی ممنوع است. (IAC/NIAC)
قاعده ۶۲- استفاده نادرست از پرچمها یا نشانهای نظامی، علایم یا یونیفرم‌های طرف مقابل ممنوع است. (مورد بحث است IAC/NIAC)
قاعده ۶۳- استفاده از پرچمها یا نشانهای نظامی، علایم یا یونیفرم دولت بی‌طرف یا سایر دولتهای غیردرگیر ممنوع است. (مورد بحث است IAC/NIAC)
قاعده ۶۴- انعقاد موافقتنامه‌ای برای تعلیق درگیری‌ها به قصد حمله غافلگیرانه به دشمن بر مبنای آن موافقتنامه، ممنوع است. (IAC/NIAC)

قاعده ۶۵- کشتن، صدمه زدن یا دستگیری طرف مقابل با توسل به خیانت ممنوع است.
(IAC/NIAC)

ارتباط با دشمن

قاعده ۶۶- فرمانده می‌تواند از هر طریق ارتباطی، وارد رابطه غیرخصمانه با طرف درگیر شود. چنین روابطی باید بر مبنای حسن نیت باشد. (IAC/NIAC)

قاعده ۶۷- فرستادگان طرفهای درگیری برای مذاکره (Parlementaire) غیرقابل تعرض هستند.
(IAC/NIAC)

قاعده ۶۸- فرماندهان می‌توانند برای پیشگیری از مغرضانه بودن حضور فرستادگان، اقدامات احتیاطی لازم را انجام دهند. (IAC/NIAC)

قاعده ۶۹- فرستادگانی که از وضعیت ممتاز خود برای انجام اقداماتی مخالف حقوق بین‌المللی و مضر به طرف مقابل استفاده می‌کنند، غیرقابل تعرض بودن خود را از دست می‌دهند. (IAC/NIAC)

سلاح‌ها

اصول کلی حاکم بر استفاده از سلاح

قاعده ۷۰- استفاده از روش‌ها و ابزارهای جنگی که از ماهیتی برخوردارند که باعث ورود آسیب بیش از اندازه یا درد و رنج غیرضروری می‌شوند، ممنوع است. (IAC/NIAC)

قاعده ۷۱- استفاده از سلاح‌هایی که به دلیل ماهیتشان بدون تفکیک عمل می‌کنند، ممنوع است.
(IAC/NIAC)

سم

قاعده ۷۲- استفاده از سم یا سلاح سمی ممنوع است. (IAC/NIAC)

سلاح‌های بیولوژیک

قاعده ۷۳- استفاده از سلاح‌های بیولوژیک ممنوع است. (IAC/NIAC)

سلاح‌های شیمیایی

- قاعده ۷۴- استفاده از سلاح‌های شیمیایی ممنوع است. (IAC/NIAC)
- قاعده ۷۵- استفاده از مواد کنترل از راه دور به عنوان روش جنگی ممنوع است. (IAC/NIAC)
- قاعده ۷۶- استفاده از علف‌کش‌ها به عنوان یک روش جنگی ممنوع است، چنانچه:
- الف- دارای ماهیتی باشد که سلاح شیمیایی ممنوعه تلقی شود؛
 - ب- دارای ماهیتی باشد که سلاح بیولوژیکی ممنوعه تلقی شود؛
 - ج- علیه گیاهانی بکار رود که هدف نظامی نیستند؛
 - د- منجر به از دست رفتن تصادفی حیات غیرنظامیان، صدمه به غیرنظامیان، ایراد خسارت به اموال غیرنظامی یا ترکیبی از این موارد شده که از مزیت نظامی مستقیم و دقیق پیش‌بینی شده بسیار فراتر باشد؛ یا
 - ه- منجر به خسارت گسترده، طولانی مدت و شدید بر محیط زیست شود.
- (IAC/NIAC)

گلوله‌های منبسط شونده

- قاعده ۷۷- استفاده از گلوله‌هایی که در بدن انسان به آسانی منبسط یا گسترده می‌شوند علیه انسان، ممنوع است. (IAC/NIAC)
- گلوله‌های منفجر شونده

- قاعده ۷۸- استفاده از گلوله‌هایی که در بدن انسان منفجر شوند علیه انسان، ممنوع است. (IAC/NIAC)

سلاح‌هایی که با اجزای غیرقابل ردیابی صدمه می‌زنند

- قاعده ۷۹- استفاده از سلاح‌هایی که تاثیر اولیه آن ایراد جراحی با اجزایی است که در بدن انسان توسط اشعه ایکس قابل ردیابی نمی‌باشند، ممنوع است. (IAC/NIAC)

تله‌های انفجاری

قاعده ۸۰- استفاده از تله‌های انفجاری که به اموال یا افراد مورد حمایت خاص تحت حقوق بین‌المللی بشردوستانه یا اموالی که توجه غیرنظامیان را به خود جلب می‌کنند، متصل یا به گونه‌ای مرتبط است ممنوع می‌باشد. (IAC/NIAC)

مین‌های زمینی

قاعده ۸۱- هنگام استفاده از مین‌های زمینی باید دقت ویژه‌ای برای به حداقل رساندن تأثیرات بدون تفکیک آن به عمل آید. (IAC/NIAC)

قاعده ۸۲- یک طرف درگیری که از مین‌های زمینی استفاده می‌کند باید مکان جاگذاری آنها را تا حد امکان ثبت کند. (مورد بحث است IAC/NIAC)

قاعده ۸۳- در پایان محاصرات فعال، طرف درگیری که از مین‌های زمینی استفاده کرده باید آنها را خارج یا به گونه‌ای غیر مضر برای غیرنظامیان کرده یا خارج کردن آن را تسهیل کند. (IAC/NIAC)

سلاح‌های آتش‌زا

قاعده ۸۴- چنانچه سلاح‌های آتش‌زا مورد استفاده قرار گیرند باید دقت ویژه‌ای برای اجتناب و در هر حال به حداقل رساندن از تلفات تصادفی غیرنظامیان، صدمه به غیرنظامیان و ایراد خسارت به اموال غیرنظامی اتخاذ شود. (IAC/NIAC)

قاعده ۸۵- استفاده از سلاح‌های آتش‌زا علیه انسان ممنوع است مگر در مواردیکه استفاده از سلاحی با زیان کمتر برای خارج از جنگ کردن طرف مقابل قابل پیش‌بینی نباشد. (IAC/NIAC)

سلاح‌های لیزری کورکننده

قاعده ۸۶- استفاده از سلاح‌های لیزری کورکننده که علی‌الخصوص بگونه‌ای طراحی شده‌اند که تنها کارکرد جنگی آنها یا یکی از کارکردهای جنگی‌شان ایراد کوری دائمی تا اختلال در بینایی باشد، ممنوع است. (IAC/NIAC)

رفتار با غیرنظامیان و افراد خارج از جنگ
تضمینات بنیادین

- قاعده ۸۷- با غیرنظامیان و افراد خارج از جنگ، باید به انسانیت رفتار شود. (IAC/NIAC)
- قاعده ۸۸- تبعیض ناروا در اعمال حقوق بین‌المللی بشردوستانه بر مبنای نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین یا اعتقاد، عقاید سیاسی یا غیر آن، منشا ملی یا اجتماعی، رفاه، تولد یا سایر وضعیتهای یا هرگونه معیار مشابه ممنوع است. (IAC/NIAC)
- قاعده ۸۹- قتل ممنوع است. (IAC/NIAC)
- قاعده ۹۰- شکنجه، رفتار خشن، غیرانسانی و توهین به کرامت انسانی به ویژه رفتار موهن و تحقیرآمیز ممنوع است. (IAC/NIAC)
- قاعده ۹۱- مجازات‌های بدنی ممنوع است. (IAC/NIAC)
- قاعده ۹۲- مثله کردن، آزمایش‌های پزشکی یا علمی یا هرگونه روند پزشکی دیگر که برای سلامتی فرد مورد نظر لازم نبوده و با استانداردهای کلی پزشکی پذیرفته شده مطابق نباشد، ممنوع است. (IAC/NIAC)
- قاعده ۹۳- تجاوز و سایر اشکال خشونت جنسی ممنوع است. (IAC/NIAC)
- قاعده ۹۴- بردگی و تجارت برده در همه اشکال آن ممنوع است. (IAC/NIAC)
- قاعده ۹۵- کار اجباری بدون پرداخت یا با سوء استفاده ممنوع است. (IAC/NIAC)
- قاعده ۹۶- گروگان‌گیری ممنوع است. (IAC/NIAC)
- قاعده ۹۷- استفاده از سپر انسانی ممنوع است. (IAC/NIAC)
- قاعده ۹۸- ناپدید شدن اجباری ممنوع است. (IAC/NIAC)
- قاعده ۹۹- محروم کردن خودسرانه از آزادی ممنوع است. (IAC/NIAC)
- قاعده ۱۰۰- هیچ کس را نمی‌توان محکوم یا مجازات کرد مگر در پی محاکمه عادلانه‌ای که همه تضمینات قضایی ضروری را اعطا کرده باشد. (IAC/NIAC)
- قاعده ۱۰۱- هیچ کس متهم یا محکوم به ارتکاب جرمی نمی‌شود که آن فعل یا ترک فعل در زمان ارتکاب براساس حقوق ملی و بین‌المللی جرم نبوده، همچنین مجازات سنگین‌تری نسبت به مجازاتی که در زمان ارتکاب عمل مجرمانه اعمال می‌شد، بر وی اعمال نمی‌گردد. (IAC/NIAC)
- قاعده ۱۰۲- هیچ کس محکوم به عمل مجرمانه نمی‌شود مگر بر مبنای مسوولیت کیفری فردی. (IAC/NIAC)
- قاعده ۱۰۳- مجازات‌های دسته جمعی ممنوع است. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۰۴- اعتقادات و مناسک دینی غیرنظامیان و افرادی که سلاح خود را به زمین گذاشته‌اند باید مورد احترام قرار گیرد. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۰۵- زندگی خانوادگی باید تا حد امکان مورد احترام قرار گیرد. (IAC/NIAC)

رزمندگان و وضعیت اسیرجنگی

قاعده ۱۰۶- رزمندگان باید در هنگام مبادرت به حمله یا در عملیات نظامی مقدمه حمله، خود را از جمعیت غیرنظامی تفکیک کنند. در صورت عدم انجام چنین کاری حق برخورداری از وضعیت اسیر جنگی را ندارند. (IAC)

قاعده ۱۰۷- رزمندگانی که در هنگام جاسوسی دستگیر می‌شوند، حق برخورداری از وضعیت اسیر جنگی را ندارند. این افراد بدون محاکمه قبلی محکوم یا مجازات نمی‌شوند. (IAC)

قاعده ۱۰۸- مزدوران مورد تعریف پروتکل اول الحاقی حق برخورداری از وضعیت رزمنده یا اسیرجنگی را ندارند. این افراد بدون محاکمه قبلی محکوم یا مجازات نمی‌شوند. (IAC)

مجروحان، بیماران و کشتی‌شکستگان

قاعده ۱۰۹- هر یک از طرف‌های درگیری در هنگامیکه شرایط مجاز دارد به ویژه پس از یک نبرد، باید بدون تاخیر همه تدابیر ممکن را برای جستجو، جمع‌آوری و تخلیه مجروحان، بیماران و کشتی‌شکستگان بدون تبعیض ناروا به کار گیرند. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۱۰- مجروحان، بیماران و کشتی‌شکستگان باید بدون کمترین تاخیر، از بالاترین حد ممکن خدمات پزشکی و مراقبت‌های لازم با توجه شرایطشان بهره‌مند شوند. هیچ تفکیکی میان افراد جمع‌آوری‌شده بر هیچ مبنایی جز دلایل پزشکی نباید گذارده شود. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۱۱- هر یک از طرف‌های درگیری باید همه تدابیر ممکن را برای حمایت از مجروحان، بیماران و کشتی‌شکستگان در مقابل بدرفتاری و غارت اموال شخصی‌شان بکار گیرند. (IAC/NIAC)

مردگان

قاعده ۱۱۲- هر یک از طرف‌های درگیری باید در هنگامیکه شرایط اجازه می‌دهد و به‌ویژه پس از پایان نبرد، بدون تاخیر همه تدابیر ممکن را برای جستجو، جمع‌آوری و تخلیه اجساد بدون تبعیض ناروا اتخاذ کنند. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۱۳- هر یک از طرف‌های درگیری باید همه تدابیر ممکن را برای پیشگیری از مورد سرقت قرار گرفتن اجساد بکار بندند. مثله کردن اجساد ممنوع است. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۱۴- طرف‌های درگیری باید تلاش کنند که بازگشت باقیمانده اجساد به درخواست طرف درگیری که بدان تعلق دارند یا به درخواست خویشاوندان نزدیکشان، تسهیل گردد. طرف‌های درگیری باید اثرات (اموال) شخصی را به آنها بازگردانند. (IAC)

قاعده ۱۱۵- اجساد باید به نحو محترمانه‌ای دفن شده و قبور آنها مورد احترام گرفته و به نحو مناسبی حفظ شوند. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۱۶- به منظور شناسایی اجساد، هر یک از طرف‌های درگیری باید همه اطلاعات شخصی را پیش از دفن ثبت کرده و قبور را علامت گذاری کنند. (IAC/NIAC)

مفقودین

قاعده ۱۱۷- هر یک از طرف‌های درگیری باید همه تدابیر ممکن را برای یافتن افرادی که در نتیجه درگیری مسلحانه گزارش شده که مفقود شده‌اند، اتخاذ کنند و باید هرگونه اطلاعی که از سرنوشتشان بدست می‌آورند، در اختیار خانواده آنها قرار دهند. (IAC/NIAC)

افراد محروم از آزادی

قاعده ۱۱۸- افرادی که آزادی خود را از دست داده‌اند باید از آب، غذا، پوشاک، سرپناه و مراقبت‌های پزشکی مناسب برخوردار شوند. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۱۹- زنانی که آزادی خود را از دست داده‌اند باید در واحدهایی جدا از مردان نگهداشته شوند جز در مواردیکه خانواده‌ها به عنوان یک خانواده در یکجا اسکان داده می‌شوند و باید تحت نظارت مستقیم زنان باشند. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۲۰- کودکانی که آزادی خود را از دست داده‌اند باید در واحدهایی جدا از بزرگسالان نگهداشته شوند، جز در مواردیکه خانواده به یک عنوان یک خانواده در یکجا اسکان داده می‌شوند. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۲۱- افرادی که آزادی خود را از دست داده‌اند باید در مکانهایی که از مناطق جنگی خارج شده، نگهداری شوند و سلامت و بهداشت آنان تضمین شود. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۲۲- غارت اموال شخصی افرادی که آزادی خود را از دست داده‌اند، ممنوع است. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۲۳- جزئیات شخصی افرادی که آزادی خود را از دست داده‌اند، باید ثبت شود.

(IAC/NIAC)

قاعده ۱۲۴-

الف- در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی، کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ باید به همه افرادی که آزادی خود را از دست داده‌اند به منظور تایید شرایط بازداشت آنها و بازگرداندن ارتباط میان آنان و خانواده‌هایشان دسترسی داشته باشد. (IAC)

ب- در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی، کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ می‌تواند خدمات خود را به طرفهای درگیری برای بازدید از همه افرادی که آزادی خود را به دلایل مرتبط با درگیری از دست داده‌اند به منظور تایید شرایط بازداشت و بازگرداندن ارتباط میان این افراد و خانواده‌هایشان پیشنهاد کند. (NIAC)

قاعده ۱۲۵- افرادی که آزادی خود را از دست داده‌اند باید اجازه مکاتبه با خانواده خود را بر طبق شرایط معقولی ناظر بر دفعات مکاتبه و لزوم سانسور توسط مقامات دریافت دارند. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۲۶- توقیف شدگان غیرنظامی و افرادی که در ارتباط با درگیری مسلحانه غیربین‌المللی آزادی خود را از دست داده‌اند باید اجازه ملاقات به ویژه از سوی خویشاوندان نزدیک را در حد ممکن داشته باشند. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۲۷- عقاید شخصی و مناسک مذهبی افرادی که آزادی خود را از دست داده‌اند باید مورد احترام قرار گیرد. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۲۸-

الف- اسرای جنگی باید بدون تاخیر پس از پایان مخاصمات فعال آزاد و مسترد شوند. (IAC)
ب- غیرنظامیان در توقیف باید به محض آنکه دلایل ضروری توقیفشان از بین رفت و حداکثر، پس از خاتمه مخاصمات فعال، در کمترین زمان، آزاد شوند. (IAC)

ج- افرادی که آزادی خود را در ارتباط با یک درگیری مسلحانه غیربین‌المللی از دست داده‌اند باید به محض آنکه دلایل ناظر بر محرومیت از آزادی‌شان از بین رفت، آزاد شوند. (NIAC)
افراد مورد اشاره ممکن است در صورتیکه رسیدگی کیفری علیه آنان در جریان باشد یا در حال گذران محکومیتی باشند که قانوناً بر آنها اعمال شده، همچنان محروم از آزادی بمانند.

آوارگی و افراد آواره

قاعده ۱۲۹-

الف- طرفهای یک درگیری مسلحانه بین‌المللی نمی‌توانند جمعیت غیرنظامی را از سرزمین اشغالی به طور کلی یا بخشی از آن، اخراج یا اجباراً منتقل کنند مگر آنکه امنیت غیرنظامیان مورد نظر یا دلایل قطعی نظامی آن را اقتضا دارد. (IAC)

ب- طرفهای یک درگیری مسلحانه غیربین‌المللی نمی‌توانند دستور آوارگی جمعیت غیرنظامی را به طور کلی یا جزئی به دلایل مرتبط با درگیری صادر کنند، مگر آنکه امنیت غیرنظامیان مورد نظر یا دلایل قطعی چنان مقرر دارد. (NIAC)

قاعده ۱۳۰- دولتها نمی‌توانند بخشی از جمعیت غیرنظامی خود را به سرزمین اشغالی تبعید یا انتقال دهند. (IAC)

قاعده ۱۳۱- در صورت آوارگی باید همه تدابیر ممکن به منظور آنکه غیرنظامیان مورد نظر از شرایط مناسبی از سرپناه، بهداشت، سلامت، ایمنی و تغذیه برخوردار بوده و اعضای یک خانواده از یکدیگر جدا نشده‌اند، به عمل آورده شود. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۳۲- افراد آواره حق بازگشت داوطلبانه در امنیت به خانه یا مکان اقامت خود به محض از بین رفتن دلایل آوارگی را دارند. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۳۳- حقوق مالکیت آوارگان باید مورد احترام قرار گیرد. (IAC/NIAC)

سایر افرادی که از حمایت‌های خاصی برخوردارند

قاعده ۱۳۴- نیازهای حمایتی خاص، بهداشتی و کمکی زنان متأثر از درگیری‌های مسلحانه باید مورد احترام قرار گیرد. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۳۵- کودکان متأثر از درگیری‌های مسلحانه حق دارند از احترام خاص و حمایت برخوردار شوند. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۳۶- کودکان نباید در نیروهای مسلح یا گروههای مسلح به کار گرفته شوند. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۳۷- کودکان نباید اجازه یابند که در مخاصمات شرکت کنند. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۳۸- افراد مسن، معلول و نوزادان متأثر از درگیری‌های مسلحانه از احترام ویژه و حمایت برخوردار می‌شوند. (IAC/NIAC)

اجرا

مطابقت با حقوق بین‌المللی بشردوستانه

قاعده ۱۳۹- هر یک از طرفهای درگیری باید حقوق بین‌المللی بشردوستانه را از طریق نیروهای مسلح خود و سایر افراد یا گروههای که در حقیقت تحت اوامر آن یا دستورات یا کنترل آن فعالیت می‌کنند، رعایت و رعایت آن را تضمین کنند. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۴۰- تکلیف احترام و تضمین احترام به حقوق بین‌المللی بشردوستانه به اقدامات متقابل وابسته نیست. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۴۱- هر دولتی باید مشاوران حقوقی در دسترس قرار دهد تا در مواقع ضروری، فرماندهان نظامی را در سطح مناسب در مورد اجرای حقوق بین‌المللی بشردوستانه مشاوره دهند. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۴۲- دولتها و طرفهای درگیری باید دستورالعمل‌هایی از حقوق بین‌المللی بشردوستانه برای نیروهای مسلح خود فراهم کنند. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۴۳- دولتها باید آموزش حقوق بین‌المللی بشردوستانه را در میان جمعیت غیرنظامی تشویق کنند. (IAC/NIAC)

الزام حقوق بین‌المللی بشردوستانه

قاعده ۱۴۴- دولتها نمی‌توانند ارتکاب نقض حقوق بین‌المللی بشردوستانه از سوی طرفهای درگیری را مورد تشویق قرار دهند. دولتها باید از تاثیر خود در حدممکن برای متوقف کردن نقض حقوق بین‌المللی بشردوستانه استفاده کنند. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۴۵- در مواردی که اقدامات تلافی جویانه در حقوق بین‌المللی ممنوع نشده‌اند، اقدامات تلافی جویانه خصمانه، مشمول شرایط دقیقی می‌شوند. (IAC)

قاعده ۱۴۶- اقدامات تلافی جویانه علیه افراد مورد حمایت کنوانسیون‌های ژنو ممنوع است. (IAC)

قاعده ۱۴۷- اقدامات تلافی جویانه علیه اموال مورد حمایت در کنوانسیون لاهه ناظر بر حمایت از اموال فرهنگی، ممنوع است. (IAC)

قاعده ۱۴۸- طرفهای یک درگیری مسلحانه غیربین‌المللی حق توسل به اقدامات تلافی جویانه خصمانه را ندارند. سایر اقدامات متقابل علیه افرادی که در مخاصمات شرکت مستقیم نداشته یا به شرکت خود پایان داده‌اند، ممنوع است. (NIAC)

مسئولیت و غرامت

قاعده ۱۴۹- یک دولت مسوول موارد نقض حقوق بین‌المللی بشردوستانه‌ای است که بدان قابل انتساب باشد از جمله:

- الف- نقض‌هایی که توسط ارگان دولت از جمله نیروهای مسلح آن صورت می‌گیرد؛
- ب- نقض‌هایی که توسط افراد یا نهادهایی که توان اعمال بخشی از قدرت دولتی را دارند، ارتکاب می‌یابد؛
- ج- نقض‌هایی که توسط افراد یا گروههایی که در واقع با راهنمایی یا به دستور یا کنترل دولت عمل می‌کنند، صورت می‌گیرد و
- د- نقض‌های ارتكابی توسط افراد خصوصی یا گروه‌هایی که دولت آنها را تایید کرده و آن را به عنوان عمل خود می‌پذیرد.

(IAC/NIAC)

قاعده ۱۵۰- دولت مسوول نقض حقوق بین‌المللی بشردوستانه، موظف است غرامت کاملی برای لطمه یا ضرر وارده بپردازد. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۵۱- افراد برای جنایات جنگی که مرتکب می‌شوند، مسوولیت کیفری دارند. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۵۲- فرماندهان و سایر افراد مافوق برای جنایات جنگی که در پی دستور آنها ارتکاب می‌یابد، مسوولیت کیفری دارند. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۵۳- فرماندهان و سایر افراد مافوق برای جنایات جنگی که افراد تحت فرمانشان انجام می‌دهند، مسوولیت کیفری دارند، به شرط آنکه این افراد می‌دانستند یا دلایلی مبنی بر این آگاهی وجود دارد که افراد تحت فرمانشان در حال شروع به ارتکاب یا ارتکاب چنین جنایاتی بوده و همه تدابیر ضروری و معقول در توان خود را برای پیشگیری از ارتکاب این عمل یا در صورت ارتکاب آن برای مجازات افراد مسوول به کار نبرده‌اند. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۵۴- هر رزمنده‌ای وظیفه دارد از فرامین آشکارا غیرقانونی اطاعت نکند. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۵۵- اطاعت از فرمان مافوق، زبردست را در صورتیکه می‌دانسته دستور صادره غیرقانونی بوده یا به دلیل ماهیت آشکارا غیرقانونی دستور صادر شده، باید می‌دانسته، از مسوولیت کیفری مبرا نمی‌سازد. (IAC/NIAC)

جنایات جنگی

قاعده ۱۵۶- نقض‌های شدید حقوق بین‌المللی بشردوستانه، جنایات جنگی هستند. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۵۷- دولتها حق دارند به دادگاههای ملی خود درخصوص جنایات جنگی، صلاحیت جهانی اعطا کنند. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۵۸- دولتها باید در مورد جنایات جنگی که ادعا می‌شود توسط اتباع یا نیروهای مسلح آنان یا در سرزمینشان رخ داده، تحقیق کرده و در موارد مقتضی فرد مظنون را مورد تعقیب قرار دهند. همچنین دولتها باید در مورد سایر جنایات جنگی که مشمول صلاحیتشان می‌باشد، تحقیق کرده و در موارد مقتضی افراد مظنون را مورد تعقیب قرار دهند. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۵۹- در پایان مخاصمات، مقامات در قدرت باید تلاش کنند که گسترده‌ترین حد ممکن عفو به افرادی که در درگیری مسلحانه غیربین‌المللی شرکت داشته‌اند یا افرادی که به دلایل مرتبط با درگیری‌های مسلحانه آزادی خود را از دست داده‌اند، به استثنای افراد مظنون یا متهم یا محکوم به ارتکاب جنایات جنگی، اعطا کنند. (NIAC)

قاعده ۱۶۰- مرور زمان نسبت به جنایات جنگی اعمال نمی‌شود. (IAC/NIAC)

قاعده ۱۶۱- دولتها باید همه تلاش خود را برای همکاری تا حد امکان با یکدیگر به منظور تسهیل تحقیق جنایات جنگی و تعقیب مظنونان به کار گیرند. (IAC/NIAC)